



## فهرست مطالب

- ۲.....اپوزیسیون ارتجاعی ایران به دنبال چیست؟
- ۳.....مخالفان تیم ملی فوتبال ایران چه کسانی هستند؟
- ۴.....بیانیه مشترک چند گروه بازنشستگی در مورد تحولات اخیر ایران
- ۵.....در حاشیه بازی تیم ملی فوتبال ایران و انگلیس
- ۶.....خصوصی سازی ها در ایران به شدت ادامه دارد
- ۷.....ترجمه بیانیه انگلیسی در مورد رویدادهای اخیر ایران
- ۹.....درس‌هایی از خیزش آبان ۹۸
- ۱۱.....تجمع ایرانیان آزادیخواه در «لین شوپینگ» سوئد
- ۱۲.....بگذارید زمین زیر پای جنگ‌افروزان بین‌المللی داغ‌تر شود!
- ۱۳.....در حاشیه جنگ رسانه‌های فارسی زبان لندن‌نشین
- ۱۴.....در جبهه نبرد طبقاتی
- ۱۸.....نمی‌شود با فرهنگ و اقتصاد نئولیبرالیستی به جنگ امپریالیسم رفت
- ۱۹.....ملاقات با «ماکرون»، تقاضای مداخله نظامی و تجزیه ایران از طرف «مدافعان حقوق زن»!
- ۲۱.....تجاوز به حقوق زنان در هر شکل محکوم است
- ۲۲.....سیزده آبان معروف به شبه سرخ؛ روز دانش آموز گرامی باد!
- ۲۳.....به مناسبت صد و پنجمین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر
- ۲۴.....«عاشقان بقای وطن»
- ۲۵.....دفاع ما از مبارزه مردم و «دفاع آنها از مبارزه مردم»
- ۲۶.....پیروزی «لولا» در برزیل پیروزی دمکراسی بر فاشیسم است
- ۲۷.....ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده
- ۲۹.....پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام
- ۳۱.....گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش
- ۳۳.....پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام



## اپوزیسیون ارتجاعی ایران به دنبال چیست؟

همه این تحولات در پوشش شعار «مرگ بر دیکتاتوری» و «زنده باد آزادی و انقلاب نوین عربی» صورت گرفت.

**سوم:** حال با توجه به توضیحات مختصر فوق ساده تر می توان دلیل حمایت های غرب از اپوزیسیون ایران را فهمید که چرا هیچ ربطی به دفاع از حقوق زنان و آزادی و عدالت اجتماعی ندارد، بلکه هدفش ممانعت از سیاست گردش به شرق ایران و پیوستن به «سازمان همکاری شانگهای» و «بریکس» در نظم جدید چند قطبی جهانی است که منجر به تضعیف آمریکا و سلطه دلار در عرصه جهانی می شود. جانباختن «مهسا امینی» توسط گشت ارشاد بهانه ای شد تا غرب این اعتراضات اولیه و مسالمت آمیز را فوراً پوشش دهد و به سرعت آنرا به شورش های خشونت آمیز و کور برای تغییر رژیم تبدیل کند. غرب خوب می داند سرنگونی رژیم «یاغی و نافرمان» جمهوری اسلامی در شرایطی که هیچ بدیل مترقی و انقلابی و چپی در عرصه ایران وجود ندارد، فقط به نفع اوست و از اینرو تمام قد از چنین پروژه ای که حتا می تواند به تجزیه کشور بیانجامد، حمایت می کند و پوشش دادن اعتراض جهانی اپوزیسیون ارتجاعی در برلن نیز در همین چهارچوب قابل تبیین است.

بنابر این تنها بر اساس مرزهای روشنی که بیان کردیم خواست سرنگونی این رژیم، آنهم تنها با دست مردم ایران، در خدمت فرودستان جامعه معنا و مفهوم پیدا می کند و خواست براندازی رژیم حاکم بدون داشتن این دورنما خواستی در خدمت منافع امپریالیسم آمریکا و متحدینش، صهیونیسم اسرائیل و وهابیسیم عربستان سعودی و مبتنی بر خونخواهی، انتقام جویی و قصاص است، همان طور که در عراق و لیبی و سوریه و .... بوده است. هوشیار باشیم! \*

**یکم:** اعتراف اخیر «جان بولتون»، مشاور سابق امنیت ملی آمریکا، در روز پنجشنبه گذشته مبنی بر اینکه «برای کسانی که مشغول تلاش برای تغییر رژیم ایران هستند، تسلیحات ارسال می شود»، مبین این امر است که این سلاح به دست نیروهایی می رسد که خواهان درگیری مسلحانه و سرنگونی رژیم هستند و از کمک های مالی و معنوی امپریالیسم و متحدان اش نیز بهره می گیرند و از آن استقبال می کنند.

**دوم:** اپوزیسیون ارتجاعی و واسپته ایران از «انقلاب لیبی» الهام می گیرد. تروریست ها با تسلیحات ارائه شده توسط سیا و ام آی ۶ و سرانجام تحت پشتیبانی و حفاظت برنامه «منطقه پرواز ممنوع» تحمیلی ناتو، کشور را در عرض هشت ماه تسخیر و ویران کردند. دلیل سرنگونی رژیم «معمار قذافی» این بود که دولت لیبی واحد پول «دینار طلا» را در مبادلات شاخ آفریقا پیشنهاد داده بود. این سیاست به تضعیف دلار و یورو منجر می شد. «قذافی» هم به سرنوشت «صدام حسین» دچار شد که خواهان فروش نفت به یورو شد و به زیر بار زورگویی آمریکا نرفت. تجربه زنده دیگر تلاش در تغییر رژیم سوریه در ۲۰۱۱ رخ داد، زمانی که تروریست های مسلح داعشی - سلفی و «ارتش آزاد سوریه» توسط آمریکا، بریتانیا، اسرائیل و عربستان سعودی بخش های زیادی از خاک این کشور را تحت کنترل گرفتند. این سناریو به دلیل امتناع «بشار اسد» از دادن اجازه ساخت خط لوله قطر، متحد آمریکا، از طریق کشورش در سال ۲۰۰۹ بود و به زیر بار زورگویی غرب نرفت.

با یک اتفاق (اخراج گلر «ولز»، که ستاره بازی بود)، موقعیت برتری عددی را به صورت کامل به دست آورد و با ورود «مهدی ترابی»، هر لحظه بیش تر در موقعیت بُرد قرار گرفت؛ با این حال بازیکنی فوتبال ایران را به مهم ترین بُرد چند دهه اخیر رساند که بیشترین انتقادات را در مسابقه قبلی روی دوش خود داشت؛ «روزبه چشمی».

ایران پس از این گل هم عقب نکشید و اینبار با یک ضربه حمله سریع دیگر و با کیفیتی که «مهدی طارمی» به صورت ویژه از آن برخوردار است، صاحب موقعیت گل شد تا «رامین رضاییان» هم یکی از معدود گل های ملی خود را به زیبایی به ثمر برساند و صحنه های فوق العاده در ورزشگاه خلق کند. زمانی که او به همراه تئی چند از بازیکنان ایران مشغول گریستن بود...

**دوم:** چه کسانی از این پیروزی خوشحال شدند؟ همه کسانی که عاشق سرزمین ایران اند؛ چه شیعه، چه سنی، چه کرد، چه بلوچ، چه ترک، چه لر، چه چپ راستین، چه میهن پرست، چه مردمان شمال، چه جنوب، چه شرق، چه غرب ایران، چه ورزشکاران، چه ورزش دوستان!

چه کسانی ناراحت شدند؟ همه کسانی که از سر نادانی و یا دشمنی با موجودیت ایران و از سر نفرت و خشم به جمهوری اسلامی، می خواهند مملکت و مردم ایران با حاکمیت ملاها ویران تر و روز به روز مفلوک تر و حقیرتر بماند آن هم با کمک آمریکایی ها و اروپایی ها و اسرائیلی ها! اینان هیچ دست آورد و پیشرفت علمی، فرهنگی، ورزشی و حتی غنی سازی اورانیوم، توسط دانشمندان ایرانی و در حاکمیت آخوندها را بر نمی تابند و مسخره می کنند. از اسرائیل، آمریکا، فرانسه و انگلیس که هزاران کلاهک اتمی دارند، تجلیل می کنند، اما اگر یک درجه غنی سازی اورانیوم بالاتر رود، فغان شان به آسمان بلند می شود که آبی غرب چه نشستید که ایران به بمب اتم نزدیک تر شده است! از دید اینان داشتن بمب اتم برای غربی ها خوب است، اما برای ایران خطرناک، چون عمر رژیم را بیش تر می کند و نمی اندیشند که سلاح های اتمی نقشی در ماندگاری رژیم ها ندارند و گرنه شوروی فرو نمی پاشید. بعلاوه انگار که ایران تا ابد در مالکیت رژیم جمهوری اسلامی است. متوجه نیستند که تاریخ را خلق های زحمتکش و ستم دیده رقم خواهند زد و روزی طومار جمهوری اسلامی توسط مردم ایران برچیده خواهد شد. اگر غیر این می بود، هنوز هم «خلافت عباسیان»، مغول ها، قاجار و پهلوی حاکم بر این آب و خاک بودند!

**سوم:** چهل و سه سال حاکمیت جمهوری اسلامی ایران عملکردی به جز سرکوب و کشتار، دروغ و تباهی، غارت و چپاول مال و اموال مردم، تفکر ارتجاعی زن ستیزانه، دامن زدن به اختلافات قومی و دینی، ایجاد شکاف عمیق در جامعه و تا سر حدّ جنون مخالفت با تاریخ و فرهنگ و ادب ایرانی، نتیجه ای نداشته است! رژیم اسلامی در تمام این سال ها باد کاشت و این روزها توفان درو می کند. می دانیم که درو هر محصولی زمان بر است بنابر این چه مدت دیگر کار درو پایان می رسد، نمی توان پیش گویی کرد. \*



## مخالفان تیم ملی فوتبال ایران چه کسانی هستند؟

در حاشیه پیروزی تیم ملی ایران بر تیم ونز

گویند؛ سخن زمانی بر دل می نشیند که اولاً از دل برآید و ثانیاً کم و گزیده باشد!

**یکم:** تیم ملی فوتبال ایران در دومین بازی گروهی جام جهانی با ارائه یک نمایش برتر و درخشان و تهاجمی قاطع ترین بُرد خود را در ادوار جام جهانی به دست آورد. گفته می شود این بهترین بازی تاریخ فوتبال ایران بوده است.

بازی تیم ملی نمایشی فراتر از انتظارات پس از شکست سنگین مقابل تیم انگلیس بود. اما ترکیب صحیح، چینش درست و همچنین فداکاری بازیکنانی که ۹۰ دقیقه سرشان را مقابل توپ گذاشتند، بُردی خارق العاده و خاطره انگیز برای هواداران فوتبال ایران رقم زد. آن هم در شرایطی که ایران بعد از دیدار مقابل انگلیس به نظر در ضعیف ترین حالت روحی خود قرار داشت، اما با کاهش فشار بیرونی و همچنین اتحاد بیش تر در موقعیت دشوار پیش از مسابقه همه چیز برای موفقیت هموار شد.

برای ایران همه چیز از نیمه دوم آغاز شد؛ جایی که قلق گیری نیمه اول بدل به یک بازی سریع، استفاده از کناره ها و همچنین حرکات موثر سردار آزمون روی مدافعان وسط «ولز» شد. در این میان «احسان حاج صفی» و «سعید عزت اللهی» بهترین نمایش ممکن را در میانه میدان داشتند و مدافعان مرکزی و کناری ایران هم فرصتی برای ایجاد موقعیت به حریف نمی دادند. به این ها باید نمایش ویژه «سیدحسین حسینی»، دروازه بان تیم را هم اضافه کرد که با تصمیم خوب «کی روش» بار دیگر فرصت بازی یافت تا بهترین نمایش عمر فوتبالی خود را به ارائه بگذارد. ایران اما بعد از آنکه سه فرصت استثنایی گلزنی را از دست داد،

## بیانیه مشترک چند گروه بازنشستگی در مورد تحولات اخیر ایران

در بخشی از این بیانیه چنین آمده است:  
«آنچه در شیراز رخداد، فجیع و غیرقابل باور است. اما جدا کردن فرزندان ایران زمین از آن هم فجیع تر است. همانطوری که باید حقیقت مرگ مهسا امینی و نیکا شاکرمی مشخص شود، باید پشت پرده آدمکشی شیراز نیز آشکار گردد.

در ایران همه روزه کودکانی هم سن آرتین کشته، مورد تجاوز، و به بردگی کشیده می شوند و یا در خیابان ها با جل پاره ای به دنبال نان پاره ای هستند، ولی دیده نمی شوند، آیا نباید برای این فرزندان غم زده بود؟ چرا سیاست هایی که باعث رنج و مرگ خاموش کودکانمان می شود را بازگو نمی کنیم؟ چرا نمی گوییم چگونه دومین کشور دارنده ذخایر نفت و سومین دارنده منابع گازی جهان، هموطنان اش باید سر در سطل زباله داشته باشند تا نمیرند؟

مرگ همه هموطنانمان سخت و دردآور است. هر روزه در همین خبرگزاری کار ایران (اپنا) متعلق به خانه کارگر می خوانیم که کارگران به دلیل عدم ایمنی کشته می شوند و به خاطر نگرستن حقوق عقب مانده خود را می کشند. چرا برای این جانبختگان پدر و مادر پیدا نمی شود؟ چرا برای بازنشستگانی که در زیر خط فقر هر روزه می میرند، کسی فریاد و اوایلا سر نمی دهد؟

دلیل تمامی پرسش های بالا سیاست های نئولیبرالیستی است که با یک فرمان قدرت خرید مردم را ۴ برابر از بین برد و باعث این آشفتگی در سراسر ایران شده است. سیاست های رانت خوارانه و نبود قوه قضاییه ای که داد مردم را از اختلاس گران و آقازاده هایی که حق بی شرافتی شان را به اصطلاح از سفره انقلاب برداشته و در دامان آمریکا و کانادا به خوشگذرانی می گذارند و پدران شان در ایران دسته های مافیایی در ارکان تصمیم گیری دارند، خشم مردم را برانگیخته است.

شیراز پاره ای از وطن ماست، همچنانکه زاهدان و سقز و تهران. ما همه سیاست هایی را که باعث کشته شدن مردم ایران از طریق تروریسم می شود، محکوم می کنیم. این تروریسم چه خاموش باشد مانند گرانی و تورم و بیکاری تحمیل شده به مردم و چه مانند آنچه در شیراز اتفاق افتاد، مورد اعتراض ماست و حق خود را برای اعتراض به سیاست های خانه خراب کن اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی محفوظ می داریم....»

سندیکای کارگران فلز کار مکانیک ایران  
بازنشستگان سندیکای کارگران بافنده سوزنی  
بازنشستگان فلز کار مکانیک  
بازنشستگان صنعت چاپ  
بازنشستگان شهاب خودرو  
بازنشستگان مستقل قزوین  
بازنشستگان مستقل رامهرمز  
بازنشستگان مستقل بابل  
۷ آبان ۱۴۰۱ \*

در مواقع چنین کارزاری و در چنین روزهای به گیر و به بند و سرکوب بی رحمانه مردم، بویژه جوانان پرشور و بی باک، و در این نبرد نابرابر و بدون تشکیلات و بی سر، همیشه تاریخ بودند خائنان و ایران فروشانی که برای منافع خود و بیگانگان، حداکثر استفاده را از آب گل آلود بردند! نمونه؛ کودتای ۲۸ مرداد و انقلاب ۵۷!

«تغاری بشکنند، ماستی بریزد - جهان گردد بکام کاسه لیسان!»  
کاسه لیسان اجنبی پرست خارج نشین، خیانت ها و جنایات رژیم ملاًها را سپهر خویش کرده و مدام بر طبل جنگ می کوبند تا بلکه آمریکا و اسرائیل را وارد جنگ با ایران کرده و از پشت تانک ها و جنگنده های آمریکایی به ایران برگردند!  
آنهائی که نمی دانند، بدانند که ما عاشق ایرانییم و داریم از «ایران» دفاع می کنیم و نه از رژیم آخوندهای فاسد و ریاکار .

این کوتوله های نیمچه فاشیست و کاسه لیس، تیم ملی فوتبال را ایرانی نمی دانند می گویند این تیم چون با «ابراهیم رئیسی» دیدار کرده بنابر این «تیم فوتبال جمهوری اسلامی» است و نباید در جام جهانی شرکت کند و یا در بازی با تیم انگلیس و یا هر تیم دیگری برنده شود! بر اساس این استدلال مسخره، در روز مسابقه، انگلستان کودتاگر سال ۱۲۹۹ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و بانی قرارداد ۱۹۱۹ علیه تمامیت ارضی ایران را مورد تشویق قرار می دهند و هر چه فحش و ناسزا را نثار بازیکنان ایرانی می کنند! باید از این بی خردان پرسید؛ که مثلاً «پهلوان تختی» و یا ده ها و صدها ورزشکار ایرانی دیگر برای «محمدرضاشاه» و یا رژیم جمهوری اسلامی به میدان رفته و برای آنها مدال آورده اند، یا برای ایران؟! امثال «تختی» محبوب و افتخار شاه شد یا ملت ایران؟!!

اگر چنین تفکر غیرمنطقی و ضد ایرانیت را تعمیم بدهیم، باید بگوئیم چون سرزمین ایران در حاکمیت مشتی دزد و فاسد و آدمکش هست، بنابر این همان بهتر که مثلاً خوزستان، کردستان، آذربایجان و سیستان و بلوچستان و غیره از ایران جدا و تجزیه بشوند! همه مخالفان تیم ملی فوتبال ایران، به استثنای ناآگاهان و ورشکسته گان بی تقصیر، چنین می اندیشند. اگر در حرف منکر چنین استدلالی شوند، به یقین دروغ می گویند !!

بدون سروسزنی تردید باید گفت که: خاک بر سر جمهوری سرمایه داری اسلامی ایران، که بستر چنین اندیشه های فاشیستی را فراهم کرد و با کردار و رفتار و گفتار ضد ایرانی اش، «رهبری» اعتراضات را به موجوداتی مستقر در «بی بی سی»، «اینتر آشغال»، «صدای آمریکا» و ده ها و صدها سخنگویان ضد ایران و ایرانی و مزدبگیر آمریکا، اسرائیل، سیا، عربستان و پنتاگون داده است !! سرنوشت ایران باید به دست فرزندان ایران زمین رقم بخورد و نه به دست جنایتکاران بین المللی و تفاله های شان !!

"ما درس صداقت و صفا می خوانیم  
آیین محبت و وفا می دانیم  
زین بی هنران سفله ای دل! مخروش  
کآنها همه می روند و ما می مانیم" \*

ما طرفدارانی می‌خواهیم که همیشه حامی باشند. اگر آن‌ها می‌خواهند در زمان پیروزی از ما حمایت کنند، پس در خانه بمانند و اینجا نیایند». «کارلوس کی‌روش» حتا در کوران بازی رو به سکوی تماشاچیان ایرانی کرد و بر سرشان فریاد کشید، ساکت شید!

کار به اینجا ختم نشد، بلکه عده‌ای ایران‌ستیز در عرصه مجازی زانو زدن بازیکنان تیم ملی انگلیس در بازی با ایران را نیز به مسئله سیاسی ایران و جان‌باختن «مهسا مینینی» و تحولات ایران ربط دادند، تا با توسل به این قبیل ترندها فضا را آنطور ترسیم کنند تا دروغ‌هایشان حقیقت جلوه داده شود. در حالی که سخنگوی اتحادیه فوتبال انگلیس اعلام کرده است زانو زدن تیم ملی انگلیس در بازی با ایران ربطی به مسائل ایران ندارد.

سخنگوی اتحادیه فوتبال انگلیس اعلام کرده است همانطور که بازیکنان تیم‌های باشگاهی در لیگ برتر انگلیس برای مسائلی مانند برابر نژادی و بی‌عدالتی اجتماعی اعتراض می‌کنند، برابر ایران هم این کار را می‌کنند و این ربطی به مسائل ایران ندارد و در تمام بازی‌ها این کار را انجام خواهند داد.

در واقع آغاز زانو زدن بازیکنان انگلیس واکنشی است پس از قتل «جورج فلویید» در آمریکا، که بازیکنان لیگ برتر انگلیس به صورت نمادین پیش یا پس از سوت بازی، زانو می‌زدند تا مخالفت‌شان را درباره رفتارهای تبعیض‌آمیز و راسیسم علیه سیاه‌پوستان اعلام کنند. آن‌ها حتی این حرکت را در یورو ۲۰۲۰ هم انجام دادند. هر چند این حرکت با مخالفت‌هایی مواجه شده است، ولی «ساوتگیت»، سرمربی تیم ملی انگلیس در جریان یورو ۲۰۲۰ در واکنش به اینکه زانو زدن خاصیت خودش را از دست داده، گفته است: «ما در شرایطی هستیم که به نظر می‌رسد برخی فکر می‌کنند این یک موضع سیاسی است و به همین دلیل با آن موافق نیستند. اما این دلیلی نیست که بازیکنان ما این کار را انجام می‌دهند. ما از یکدیگر حمایت می‌کنیم». با همه این اوصاف، حالا بازیکنان تیم ملی انگلیس در دیدارهای جام جهانی ۲۰۲۲ قطر قصد دارند زانو بزنند تا اعتراض‌شان را نسبت به مسائل نژادپرستی در یک رویداد بزرگ اعلام کنند. «گرت ساوتگیت»، سرمربی انگلیس درباره این تصمیم تیمی توضیح داده است: «این چیزی است که ما به عنوان یک تیم برای آن ایستاده‌ایم و برای مدت طولانی انجام داده‌ایم». اپوزیسیونی که می‌کوشد با توسل به جعل و دروغ و نفرت‌پراکنی و تحریم ورزشی و حذف تیم ملی ایران و شادی از شکست تیم فوتبال میهنمان و سایر شاخه‌های ورزشی به هدف‌اش که ظاهراً سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است، دست یابد، اپوزیسیونی وطن‌فروش و عامل بیگانه است. تیم ملی ایران و دست‌آورد هایش متعلق به مردم ایران است و در تاریخ ثبت خواهد شد. تیم ملی ایران نه در دوره پهلوی تیم شاهنشاهی بود و نه در دوره کنونی تیم ملی جمهوری اسلامی است. تیم ملی ایران مربوط به همه مردم ایران است، صرف‌نظر از دین و مسلک و قومیت و جنسیت و جز این نیست. زنده باد تیم ملی ایران! \*



## در حاشیه بازی تیم ملی فوتبال ایران و انگلیس

تیم ملی فوتبال ایران در نخستین بازی گروهی جام جهانی قطر ۶ بر ۲ مغلوب تیم قدرتمند انگلیس شد.

بازی فوتبال همین است؛ بُرد و باخت دارد، حتا تیم نامدار برزیل، که بارها جام قهرمانی را کسب کرده است، در جام جهانی خانگی ۷ بر ۱ مغلوب آلمان گردید و یا تیم ملی آلمان در سال گذشته در یک بازی دوستانه ۶ بر صفر از تیم ملی اسپانیا شکست خورد. اما عده‌ای از ایرانی‌های بی‌شرف به جای تشویق تیم ملی به فحاشی، بی‌مهری و هو کردن بازیکنان ایران پرداختند. در حالی که بازیکنان تیم ملی ایران با امتناع از خواندن سرود جمهوری اسلامی با مردم ابراز همبستگی کردند. عده‌ای از محافل اپوزیسیون و رسانه‌های سه قلوئی لندن در مورد دیدار برخی از بازیکنان تیم ملی با «ابراهیم رئیسی» جنجال به پا کردند تا با ایجاد فضای ارعاب به تحریم تیم ملی پردازند. روشن است این بازیکنان مجبور به چنین دیداری شدند. همانطور که در زمان «محمد رضا شاه» این عامل کودتا و مسئول هزاران قتل و کشتار، بازیکنان را قبل از پرواز به جام جهانی آرژانتین ۱۹۷۸ به دیدار او بُردند، حتا دست این خائن را بوسیدند. اما این اقدامات اجباری سبب نشد تا نیروهای اپوزیسیون تیم ملی را تحریم کنند و به ناسزاگویی پردازند. چنین برخورد وطن‌فروشان‌های در طول تاریخ بازی‌های جام جهانی در هیچ کشوری رخ نداده است. مخالفت و دشمنی با رژیم جمهوری اسلامی برای همه آزادی‌خواهان و میهن‌دوستان مردمی محفوظ است، اما دشمنی با تیم ملی و عدم تفکیک آن از رژیم و پراکندن بذر تنفر، انتقام، جنگ داخلی و خونریزی آخرین پرده اعتراضاتی است که نمونه‌اش را در سال‌های اخیر در عراق، لیبی، یوگسلاوی و سوریه... شاهد بوده‌ایم. جالب توجه اینکه مربی تیم ملی ایران، «کارلوس کی‌روش» نسبت به برخورد ناصواب و ضد‌میهنی تماشاگران ایران واکنش نشان داد و گفت: «ما طرفدارانی نمی‌خواهیم که تنها زمانی حمایت می‌کنند که تیم به بُرد،



## خصوصی سازی ها در ایران به شدت ادامه دارد

با قاصیت می توان گفت که همه کشورهای جهان، از جمله ایران، با اقتصاد «سرمایه داری» اداره می شوند که تعداد کمی از آنها صنعتی و پیشرفته و مولد و اغلب تجاری و دلالی و مالی و مصرف کننده هستند! دو مشخصه کلیدی و خاص نظام سرمایه داری عبارت است از:

**یکم** - تولید هر چه بیش تر کالا، نه برای نیاز جامعه، بلکه برای فروش در بازارها و کسب حداکثر سود!

**دوم** - کار مزدوری، که توسط انسان هایی انجام می گیرد که برای امرار معاش و از روی اجبار، نیروی جسمی و فکری شان را در ازای مزد کم به سرمایه دار می فروشند و کالا تولید می کنند. با اینکه سیستم سرمایه داری نقش غالب در اقتصاد جهان را داراست، اما دولت ها و اقتصاددانان بورژوازی به عمد از واژه «سرمایه داری» استفاده نمی کنند و به جای آن عبارت «نظام اقتصادی» را به کار می برند تا نیاز و اجباری برای توضیح عملکرد و سرشت «سرمایه داری» نباشد و گرنه باید اعتراف کنند که در دنیای امروز، ۱۰۰ نفر به اندازه نصف جمعیت کره زمین ثروت دارند و این یعنی اینکه ماهیت سیستم سرمایه داری، چیزی جز جنگ، تجاوز، غارت ثروت های جهان، گسترش فقر و گرسنگی و استثمار و بردگی نیست و در این راه حاضر است کره زمین را با تمام زیبایی هایش، دریاها، کوه ها، جنگل ها، انسان ها، گیاهان و جانوران را به نابودی بکشاند و هر مانعی را با بی رحمی تمام از سر راهش بردارد.

سرمایه داران می دانند که انسان ها، خصوصاً کارگران و زحمتکشان، برای رهایی از استثمار، تقسیم عادلانه ثروت و حقوق اجتماعی خود خواهند جنگید. چنانچه به گواه تاریخ، بارها جنگیدند و پوزه آنها را به خاک مالیدند و در چندین کشور جهان نظم خویش، یعنی سوسیالیسم را برپاداشتند. پس از درگذشت استالین بزرگ و روی کار آمدن رویونیست های خائن «خروشچفی - برژنفی»، اتحاد شوروی به مرور رو به انحطاط گذاشت. انحطاط و ضعف کشور شوروی در دوران حاکمیت رویونیست های بی شخصیت

و مفلوک، سرمایه داری غرب را وارد مرحله وحشیانه تری نسبت به خصم خود، یعنی کارگران و زحمتکشان کرد. لذا سیاست متلاشی کردن اتحادیه ها و سندیکاهای کارگری را، که هر چند گاه با اعتصابات خود سد راه و موی دماغ کارخانه داران می شدند، دنبال نمودند. با روی کار آمدن «مارگارت تاچر» و «رونالد ریگان»، این مباحثان دست به سینه مجتمع های نظامی، مالی و بانکی و کارگزاران سرسخت تجارت خصوصی و اقتصادنویبیرالی در سال های ۷۹ و ۸۰ میلادی، حمله به اتحادیه های کارگری، زیر پا گذاشتن قوانین کار و سرکوب تشکل ها و سندیکاها و سپردن اقتصاد به بخش خصوصی را به مرحله اجرا گذاشته و عرصه را برای غارت و تاخت و تاز «سرمایه» در جهان مهیا کردند.

از آنجائی که سیاست «بازار آزاد» و اقتصاد خصوصی سازی به نفع ثروتمندان است، لذا سرمایه داران کلاش و رانت خوار جمهوری اسلامی ایران از زمان ریاست جمهوری «هاشمی رفسنجانی»، به پیروی از برنامه های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، اقدام به خصوصی سازی اقتصاد ایران کردند و به مدت بیش از سی سال زمینه را برای غارت اموال و دارایی های ملت ایران مهیا نمودند که تا به امروز و در دولت «ابراهیم رئیسی»، دولت «یکدست اصولگرایان» ادامه دارد. سیاست اقتصاد «آزاد» و یا خصوصی سازی سَم مهلکی برای اکثریت عظیم مردم ایران است. خوب است به چند نمونه از قوانین ضد مردمی آن اشاره نمایم.

۱ - یکی از خائنه ترین برنامه های مخرب اقتصاد خصوصی سازی، گشودن دروازه های کشور برای ورود بی رویه هر نوع کالاهای خارجی است که نتیجه ای به غیر از ورشکستگی کامل تولیدات کوچک و بزرگ داخلی در پی ندارد.

۲ - حذف یارانه ها در بخش های تولیدی و مصرفی هم یکی دیگر از عوامل ورشکستگی و ویرانی اقتصاد کشور است.

۳ - حذف قوانین کار و توافق بر سر دستمزدها بین صاحبان کارخانه و کارگر یکی از رذیله ترین قراردادهای و به نوعی بردگی و استثمار عربان کارگران و زحمتکشان جامعه است، چرا که تهیدستی و گرسنگی و بیکاری اکثریت آدم ها را به تسلیم و امیدارد، بنابر این چه جای توافق و چانه زنی برای انسان گرسنه و جویای کار بر سر میزان دستمزد با کارفرمای بی مروت باقی می ماند؟!!

۴ - یکی دیگر از برنامه های خصوصی سازی، کاهش هزینه های دولت از طریق حذف خدمات عمومی مثل آب، برق، گاز و ایجاد دفاتر و نهادهای من درآوردی و واگذاری وظایف اولیه و حتمی دولت به این نهادهای خصوصی، نظیر «پلیس + ۱۰» و «پیشخوان دولت» و «امور مشترکین» است که برای هر کاری از مراجعه کنندگان پول می گیرند!

- خصوصی سازی مهد کودک ها، مدارس، دانشگاه ها، بیمارستان ها، کارخانه ها، مخابرات، شرکت های آب و برق، نیروگاه ها، فرودگاه ها، بزرگراه ها، آزادسازی نرخ بهره، تامین و تشدید حقوق مالکیت خصوصی و حمایت قضایی و امنیتی از مالکین، سیاستی ضد مردمی است که فقط به نفع آقا زاده ها، رانت خواران و انگل های جامعه است که با هزار گونه رشته های پیدا و ناپیدا به حاکمیت وصل اند!



## ترجمه بیانیه انگلیسی در مورد رویدادهای اخیر ایران

بیانه‌ای که از نظر خوانندگان گرامی «توفان الکترونیکی» می‌گذرد، ترجمه متن انگلیسی هیات مرکزی حزب کار ایران (توفان) است که به احزاب مارکسیست - لنینیست متشکل در کنفرانس بین‌المللی ارسال گردیده است. ما این بیانیه را به خاطر محتوا و اهمیت اوضاع بحرانی کنونی ایران در این شماره توفان الکترونیکی انتشار می‌دهیم.

\*\*\*

در ۴۳ سال پیش خلق ایران در یک انقلاب بزرگ رژیم وابسته به امپریالیسم آمریکا را در ایران سرنگون ساخت و دست امپریالیست‌ها را از ایران کوتاه کرد و به استقلال سیاسی ایران دست پیدا کرد. از آن تاریخ امپریالیسم آمریکا و ناتو تمام تلاش خویش را برای نابودی و تجزیه ایران در منطقه به کار می‌برند. استراتژی امپریالیسم این است که هیچ کشوری در منطقه قدرتمندتر از اسرائیل غاصب نباید وجود داشته باشد. رژیم جمهوری اسلامی در ایران یک رژیم عقب‌مانده و ارتجاعی است. آنها در زمان شاه بنا به مصالح غرب دارای امکانات تبلیغاتی و سازماندهی بودند و به عنوان سلاحی در مقابل کمونیسم از آنها استفاده می‌شد. آنها در زمان بحران عملاً تنها نیروئی بودند که توانائی کسب رهبری مبارزات مردم را که از رژیم شاه و امپریالیسم آمریکا و انگلستان نفرت داشتند، در دست بگیرند.

رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی مدتی بعد از استقرار خود با پیاده کردن سیاست‌های نئولیبرالی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول با حمایت غرب گرایان داخلی در حکومت، به فقر و بیکاری در ایران دامن زد. در اثر این سیاست شکاف طبقاتی در ایران به چنان عمقی رسید که بیش از نیمی از مردم به نان شب محتاج‌اند. سرکوب حقوق دموکراتیک به ویژه در مورد زنان که از جمله در «حجاب اجباری» تبلور می‌یابد، در دستور کار این رژیم بود. با تأسیس «گشت ارشاد»، که توهین به کرامت هر زن و مرد ایرانی است، مقاومتی عظیم

اخیراً «حسین قربان‌زاده»، معاون وزیر امور اقتصاد و دارایی و رئیس کل سازمان خصوصی‌سازی، در تاریخ ۲۶ مهرماه ۱۴۰۱، از واگذاری ۲۰ شرکت دولتی به بخش خصوصی خبرداد! و یا در خبر چند روز پیش صدا و سیما، با آب و تاب فراوان، انگار که مانع بزرگی از سر راه مملکت برداشته شده است، خبر از «بزرگ‌ترین معامله تاریخ خصوصی‌سازی ایران» در پتروشیمی داد؟! چه کسی به «حسین قربان‌زاده» و یا سازمان خصوصی‌سازی اجازه فروش اموال و دارایی‌های مردم را به بخش خصوصی می‌دهد؟ «سید احسان خان‌دوئی»، وزیر امور اقتصاد و دارایی و متولد سال ۱۳۵۹!!! چه کسی به «خان‌دوئی» چنین اختیاری داده است؟ «ابراهیم رئیسی»، رئیس جمهوری که با حداقل رأی، آن هم از نوع غیر دموکراتیک، به ریاست جمهوری منتصب شد! چه کسانی از «ابراهیم رئیسی» حمایت می‌کنند؟ مجموعه‌ای متشکل از سرمایه‌داران طفیلی و زالوصفت و دزد و فاسد و به اضافه نیروهای سرکوبگر سپاه، اطلاعات، ارتش، بسیج، لباس شخصی‌ها، یگان‌های با ویژه و بی‌ویژه و غیره که همه تحت رهبری آیت‌الله (نشانه خدا) سیدعلی خامنه‌ای به وظایف دنیوی و اخروی خویش مشغول‌اند و شب و روز در راه «اسلام عزیز» و منافع ثروتمندان، جان‌ستانی می‌کنند! برخلاف باور اکثر مردم ایران که جمهوری سرمایه‌داری اسلامی ایران را طرفدار چین و روسیه می‌دانند، به جرات می‌توان گفت که حاکمیت از همان ابتدای انقلاب تا به امروز طرفدار سیاست‌های غرب بوده و شعارهای عوام‌فریبانه‌اش علیه آمریکا چیزی جز ریاکاری و حرف مفت نبوده است! برای مثال می‌توان همکاری با آمریکا در جنگ افغانستان، در جنگ عراق و در جنگ بالکان، تسلیم کامل و همه‌جانبه بر سر مسئله اتمی به آمریکا و اروپا، پایبندی به برجام حتی پس از خروج آمریکا از مسیر برجام، مهم‌تر و فراتر از همه اینها، اجرا و پیاده کردن برنامه‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و آزادسازی بازار و خصوصی‌سازی اقتصاد ایران را نام برد که حاصلی به جز سیاهی و تباهی و فقر و گرسنگی به بار نیاورده است. «جاذبه‌های» هالیوودی، کاباره‌ای، قمارخانه‌ای، پورنوگرافی و بریز و به پاش‌های غربی برای بیست در صد از نوکیسه‌ها و «نو دولتیان» خرپول شده بعد از انقلاب، روشنفکران خرده بورژوازی عاشق غرب و اصلاح‌طلبانی که سال‌هاست پشت به رودخانه نشسته و می‌خواهند برای خود و مردم ماهی بگیرند، بسیار جذاب‌تر و مقبول‌تر از منافع مردم ایران و تاریخ و فرهنگ پرشکوه این سرزمین است که تبلور آن در شعار: «دشمن ما همین‌جاست، دروغ میگن آمریکاست» آشکار و معنی پیدا می‌کند! جمهوری سرمایه‌داری اسلامی ایران اگر از سیاست‌های خانمان برانداز خصوصی‌سازی و اقتصاد «آزاد» دست نکشد و در جهت رفاه و معیشت مردم گام‌های اساسی برندارد و از ترس خشم مردم به غرب پناه ببرد، بی‌بر و برگردد هم خود و هم ایران را به ورطه هولناکی فرو خواهد برد!! کارگران راهی جز مبارزه متشکل علیه روند خصوصی‌سازی‌ها و این وضعیت نابسامان اقتصادی ندارند. تشکیل اتحادیه‌های مستقل کارگری گام مهمی برای متشکل کردن عموم کارگران علیه کارفرمایان و تحقق مطالبات دموکراتیک است. \*

در دل جامعه به ویژه توسط زنان شکل گرفت. تمام مطالبات کارگران، بازنشستگان، آموزگاران سرکوب شدند و دولت سرمایه‌داری جمهوری اسلامی از تأسیس سازمان‌های صنفی آنها برای بیان خواسته‌های خویش ممانعت به عمل می‌آورد. زندان‌های ایران از رهبران کارگران، آموزگاران انباشته است. تحریم‌های ضدبشری امپریالیست‌ها نیز به تشدید این اوضاع در ایران یاری رساند و روزی نیست که ده‌ها «مهسا امینی» در اثر این تحریم‌ها به قتل نرسند که وجدان امپریالیست‌ها و مدافعان «انقلابی» تحریم‌ها را معذب نمی‌کند.

شورش اخیر که در ایران رخ داده است، محصول سیاست‌های اقتصادی و سرکوب‌گرانه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی است.

این نخستین بار نیست که در ۴۳ سال گذشته در ایران دختری در درگیری با رژیم و یا در زندان به قتل می‌رسد و آخرین بار آن هم نخواهد بود. ولی اینبار خشم انباشته مردم در طی این ۴۳ سال سر باز کرد و مردم در مبارزه با رژیم به خشونت متقابل دست زدند. عامل مهم دیگر یک اجماع جهانی امپریالیستی وجود داشت تا مسئله قتل «مهسا امینی» که جانسخت برای امپریالیست‌ها و مزدوران ایرانی‌اش اساساً ارزشی ندارد، به علت نقش قاطعی که ایران در احداث جاده ابریشم و کمک به روسیه به علت تحریم‌های اقتصادی ناتو بازی می‌کند، به سرنوشت جنگ اوکراین پیوند بخورد. ایران مهره مهمی در رسیدن تجهیزات، آذوقه و کالاهای مورد نیاز روسیه از طریق دریای عمان و اقیانوس هند است. اگر بگوئیم سرنوشت جنگ اوکراین در حد بالائی به نابودی پشت جبهه روسیه وابسته است سخن به خطا نگفته‌ایم. به همین علت نیز در تظاهرات ارتجاع جهانی علیه ایران از پرچم‌های اوکراین، اسرائیل، آمریکا تجزیه‌طلبان قومی استفاده می‌شود. هر کس باید از خودش بپرسد که حمل تصاویر خط خورده روسیه و چین و شعارهای ضد آنها چه جانی در حمایت از «مهسا امینی» دارد؟

شورش خودبخودی و قابل فهمی که در ایران در نتیجه انباشت خشم مردم بر ضد «گشت ارشاد»، مجازات مسئولان قتل «مهسا امینی»، رفع حجاب اجباری و در کادر مطالبات دموکراتیک و محقانه صورت گرفته بود، در طی مدت کوتاهی به درگیری‌های خشونت‌آمیز کشیده شد. فقدان رهبری این شورش در درون ایران متأسفانه امکان سوءاستفاده از مبارزات مردم را به دست فضای مجازی ضدانقلاب در خارج از کشور داد. ضدانقلاب ایرانی در خارج از کشور از جمله هواداران غرب، مخالفان نزدیکی به چین و روسیه و احداث جاده ابریشم، هواداران شاه سابق، فرقه تروریستی مجاهدین خلق، که زیر نظر آمریکا و اسرائیل و عربستان سعودی در تیرانا، پایتخت آلبانی دوره می‌بیند، موفق شدند با یاری عظیم ناتوی تبلیغاتی، استفاده از جنگ ماهواره‌ای، فعال کردن عوامل سرسپرده و نهفته خود، بهانه قتل «مهسا امینی» که احساسات همه انسان‌ها به ویژه ایرانیان را جریحه‌دار ساخته بود، به اعتراضات خارج از

کشور دامن زنند. تظاهرات برگزار شده در برلن در تاریخ ۲۲ اکتبر ۲۰۲۲ به یاری اتحادیه اروپا و ناتو انجام گرفت و از نظر حزب ما ارتجاعی و ضد ایرانی بود. علی‌رغم اینکه بسیاری از معترضان فریب تبلیغات یکجانبه و گسترده رسانه‌های غربی را خورده بودند و با یک سازماندهی شگفت‌انگیز با هزینه ده میلیون یورو به برلن بسیج شدند، باز هم ماهیت این تظاهرات ارتجاعی و ضدانقلابی بود. امپریالیسم و مزدوران ایرانی‌اش قصد دارند نمایشات ارتجاعی مشابه‌ای با هزینه هنگفت و تبلیغات گسترده در بروکسل برگزار کنند. سیاست امپریالیسم دخالت در امور داخلی ایران، سوءاستفاده از نارضائی مردم، شعله‌ور نگاشتن دامنه اعتراضات هر چند پراکنده و محصور در بین جوانان به ویژه دانشجویان در داخل و خارج ایران است. عربستان سعودی، اسرائیل و آمریکا میلیون‌ها دلار برای رسانه‌های ضد ایرانی در لندن نظیر فرستنده «من و تو»، «ایران انترنشنال»، که به پخش اخبار جعلی و دروغ مشغول‌اند و مردم را به درگیری در خیابان‌ها، مسلح شدن، ترور عوامل رژیم و ماموران انتظامات دعوت می‌کنند، صرف کرده‌اند. هدف آنها نه تحقق حقوق زنان و مطالبات کارگران در ایران، بلکه ایجاد ناامنی، اغتشاش، جنگ داخلی است تا شرایط سوریه را در ایران فراهم آورده و برای تشدید تحریم‌های ایران، زمینه تجاوز امپریالیست‌ها را به ایران تدارک ببینند. هم‌اکنون تشویق و تقویت لومپنیسم در ایران و خارج، ضرب و شتم منتقدان در دستور کار آنها قرار گرفته است. پلیس ممالک امپریالیستی از این لومپین‌ها حمایت می‌کنند.

حزب ما مانند همیشه از اعتراضات مردمی برای تحقق خواست‌های برحق خود دفاع کرده و با سوء استفاده دشمنان ایران که سودای آزادی ایران را ندارند، مبارزه خواهد کرد. خواست‌های حزب ما که در اعتراضات مستقل خویش بیان کرده است چنین‌اند:

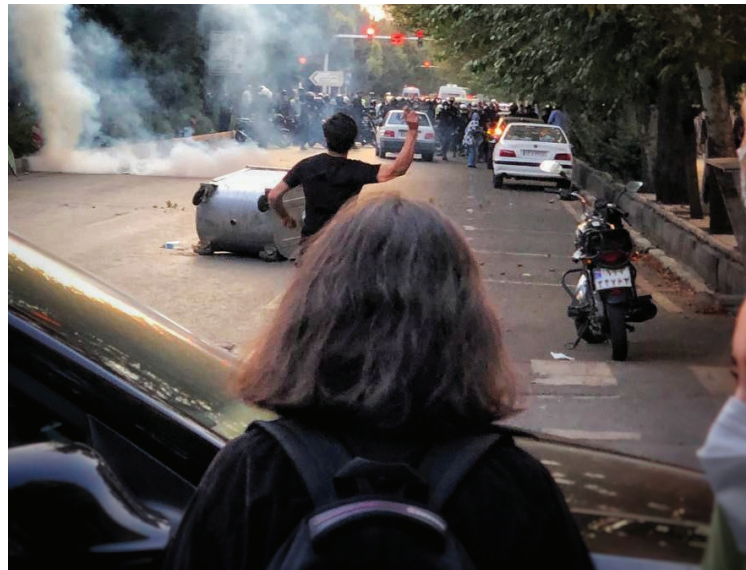
- تساوی حقوق اجتماعی زن و مرد.
- آزادی تمام زندانیان سیاسی.
- گشت ارشاد ملغی باید گردد.
- حجاب اجباری باید برجیده شود.
- تحریم‌های امپریالیست‌ها که ضدبشری، جنایتکارانه است باید از جانب بشریت مترقی به عنوان یک جنایت ضدبشری محکوم گردد.
- تهدید به تجاوز به ایران و تدارک تجاوز «بشردوستانه» به ایران باید به عنوان یک جنایت جنگی محکوم شود.
- حزب ما از تمامیت ارضی ایران، که مورد دستبرد امپریالیست‌هاست، دفاع می‌کند.
- حزب ما بر آن است که سرنوشت هر ملتی باید به دست همان ملت تعیین شود، لذا ما خواهان سرنگونی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی تنها به دست مردم ایران در راستای تامین حقوق اکثریت مردم ایران به ویژه زحمتکشان هستیم. \*



تمام عرصه‌ها سازمان‌یافته و حسابگرانه بود. غافلگیری رژیم تنها از دامنه اعتراضات، سرعت گسترش و عمق آن بود.... شورش آبان به ما آموخت که توده‌های مردم در این مبارزه دورنما داشتند و خواست مشخصی را که همه مردم را به دور آن گردآورند و تمرکز نیرو بخشند، هویدا نبود. زمانی که توده‌ها اداره‌ای را تسخیر می‌کردند و یا سنگری را فتح می‌نمودند، همواره این پرسش برای آنها مطرح بود که «بعدش چی؟» و آنها نمی‌توانستند به این پرسش «بعدش چی؟» پاسخ مناسب بدهند. فتح هر سنگر و فتح خیابان‌ها و میدانی و کلانتری‌ها برای آنها آغاز بن‌بست بود. اعتراضات در نخستین روزهای آن طبیعتاً گسترده‌تر است، ولی با گسترش و شدت سرکوب از طرفی و بی‌برنامگی توده‌های معترض از سوی دیگر، این حرکت، بی‌دورنمایی خویش را نشان می‌دهد. معترضی که پس از جنگ و گریز روزانه به خانه خویش رفته است در روز دوم هنوز نیز آمادگی پا گذاردن به خیابان‌ها و اعتراضات را دارد، ولی به تدریج از روزهای بعد به «بی‌فایده‌گی» این نوع مبارزه پی می‌برد و خانه‌نشین می‌شود.

درس این شورش یکی این است که توده قیام‌کننده باید دورنمای سیاسی داشته باشد. باید هدف‌های مشخص دارا باشد که برای نیل به آنها فعالیت و بسیج کند و شعارها و جنگ و گریزهای خویش را بر اساس این سیاست‌ها تعیین نماید. اگر مسئله کسب قدرت سیاسی مطرح است، باید با خواست‌های مشخص کسب قدرت سیاسی به میدان آید و هر روز و هر ساعت به سوئی رود که بخشی از این قدرت را کسب کند و امکان تنفس به رژیمی که شبانه روز سرکوب می‌کند، ندهد. باید اداره رادیو تلویزیون و یا مواضع راهبردی را اشغال کند. با اعتصاب عمومی از رسیدن سوخت به واحدهای دشمن جلوگیری نماید، تولید را در دست بگیرد و خود را برای مسلح شدن که تدارک آنرا باید از قبل دیده باشد، آماده کند. در این زمان، کسب هر سنگر آغاز یک بن‌بست نیست، گام نخست برای فتح سنگرهای بعدی است. این دورنما در کار توده‌های مردم غایب بود و حتی خواست‌های مشخصی از جمله اینکه بهای بنزین باید کاهش یابد و یا وزیر کشور و یا رئیس جمهور باید استعفاء دهد نیز در مبارزه آنها به چشم نمی‌خورد. حتی بیان این خواست‌ها و طرح آن می‌توانست به مردم دورنما دهد، آنها را متمرکز و متحد گرداند و مانع پراکنده‌گی و خودجوشی بی‌حد جنبش گردد.

بزرگ‌ترین درس شورش آبان‌ماه نشان داد که همه جنبش‌های فاقد رهبری سرکوب می‌شوند. برای پیروزی در انقلاب به



## درس‌هایی از خیزش آبان ۹۸

مطلبی که می‌خوانید تلخیصی از مقاله تحلیلی است که به مناسبت اولین سالگرد خیزش آبان ۹۸ در «توفان» ۲۳۹ ارگان مرکزی حزب کار ایران منتشر شد که ما بخاطر اهمیت این خیزش، دلایل آن و شرایط بحرانی کنونی، منتشر می‌کنیم:

\*\*\*

«یکسال از قتل عام معترضین آبان‌ماه می‌گذرد. رژیم سرمایه‌داری و تبهکار جمهوری اسلامی پاسخ نان و کار و آزادی را با تفنگ و سرنیزه داد و بیش از ۱۰۰۰ نفر از مردم جان به لب رسیده را در طی چند روز به قتل رساند. درس‌های شورش مردم در آبان‌ماه ۱۳۹۸ نشان داد که رژیم جمهوری سرمایه‌داری اسلامی حاکم تا به چه حد آمادگی تمرکز نیرو و سرکوب خشونت‌آمیز مبارزات و اعتراضات مردم را دارد و برای روز مبادا حساب باز کرده است. هر چه این مبارزات قهرآمیزتر گردد، خشونت ضد انقلاب متمرکز و فشرده‌تر خواهد شد. این نیروهای سرکوب شامل سپاه پاسداران، بسیجی‌ها، عوامل لباس شخصی، لومپن پرولتاریا، باندهای مخفی تروریستی فدائیان اسلام که چندین هزار نفرند و نیروهای سرکوبگر ضد شورش که تا دندان به تجهیزات مدرن مجهزند و ماموران انتظامی و سرانجام حتی ارتشی خواهد بود. در پیشگیری از مبارزه مردم تمام نقاط راهبردی و مهم شهرها و جاده‌ها را با دوربین‌های چهره شناس تجهیز کرده‌اند، به طوری که بعد از سرکوب و آرامش در خیابان‌ها، تازه پیگرد مبارزان و معترضان بر اساس بررسی تصاویر و اطلاعاتی که در این مدت با حوصله جمع‌آوری نموده بودند، آغاز شد. سیاست سرکوب رژیم در

این سخنان لنین همان فقدان بی‌دورنمائی و فقدان تاکتیک متناسب با آن در شورش کنونی آبانماه است. تعرض زمانی مفهوم دارد که هدف روشن باشد و دورنمائی در پیش پای جنبش قرار بگیرد. صرف فرونشاندن خشم فردی و یا گروهی و التیام هیجان‌های درونی هر چقدر هم موجه باشند، دورنما نیست و تنها فرجامی زودرس دارد. زیرا تنها با دارا بودن دورنما و هدف می‌شود اراده به تعرض هدفمند داشت و تعرض کرد و تعرض را به نتیجه رسانید.

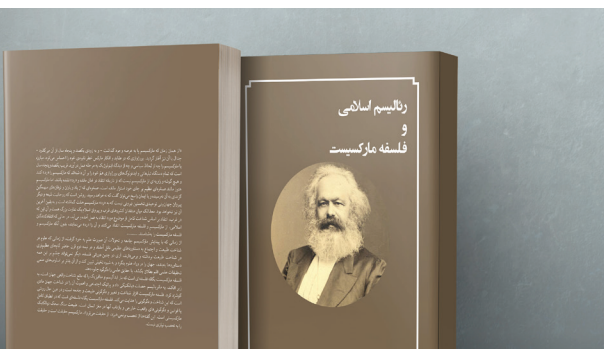
بزرگ‌ترین دست‌آورد شورش آبان این است که جنبش مردم ایران برای غلبه بر رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به حزب طبقه کارگر به حزبی مارکسیستی - لنینیستی نیاز دارد. طبقه کارگر بدون حزب گوشت دم توپ بورژوازی است. ایدئولوگ‌های بورژوازی با لباس‌های به ظاهر کارگری طبقه کارگر را از پیوستن به حزب باز می‌دارند و برای آنها موعظه می‌کنند که آنها خودشان باید خود را بدون تشکل و حزب طبقاتی خودشان آزاد کنند. آنها به طبقه کارگر پیشنهاد خودکشی می‌دهند. تجربه شورش آبان این ترهات و تبلیغات شوم و مشکوک بورژوائی را رسوا ساخت. طبقه کارگر می‌بیند که بدون سازماندهی و رهبری حزب ماهیتا کمونیستی قادر به آزادی خویش و سایر ستمدیدگان نیست. حزب کار ایران (توفان) همواره از این تئوری‌های مارکسیستی - لنینیستی حمایت کرده و طبقه کارگر را از این دشمنان دوست‌نما برحذر داشته است. برای کسب دست‌آوردهای بیش‌تر و موثرتر در شورش‌هایی که در راه است، به حزب کار ایران به پیوندید و دست رد به سینه عمال بورژوازی در جنبش کارگری بزنید که تنها بر ضد حزبیت و کمونیسم تبلیغ می‌کنند. این عده به زباله‌دان تاریخ تعلق دارند. آنها به طول عمر رژیم سرمایه‌داری حاکم می‌افزایند. \*

<http://www.toufan.org/Tufa%20html/Dars%20haye%20%20Aban%20T%20239.htm>

نیروی رهبری‌کننده و عامل آگاه سیاسی و یا شرایط ذهنی نیاز است. جنبش مردم برای اینکه پیروز شود، باید ستاد فرماندهی در این جنگ داشته باشد. در جنگی که میان طبقات فرودست و حاکمان درمی‌گیرد، فرودستان نیز می‌بایستی در این نبرد سرداران خود را داشته باشند. توده بی‌رهبر و یا رهبران بی‌سپاه هرگز قادر به پیروزی نیستند.

درس این شورش این است که به ویژه طبقه کارگر به سازمان نیاز دارد. سازمان نخستین اسلحه طبقه کارگر است که نیروی وی را متمرکز کرده و آماده مبارزه می‌کند. مردم در این مبارزه آموختند که هم رهبر کم دارند و هم سازمان ندارند و این دو دست‌آورد بزرگ این مبارزه مردم است که باید بر آن تکیه کرد، آترا تبلیغ کرد تا جان شهدای بی‌جهت بریاد نرفته باشد.

درس دیگر این شورش آن است که ما باید بکوشیم بخشی از نیروهای مسلح رژیم و به ویژه بخش‌های سالم و غیرفاسد را چه در میان لایه‌های پائینی پاسداران، بسیجیان و ارتشیان، که از آحاد ملت‌اند، جلب کرده و در جناح دشمن شکاف ایجاد کنیم. درس انقلاب بهمین نیز همین بود و ارتش ۴۰۰ هزار نفره شاهنشاهی در مقابل قدرت عظیم توده‌های مردم ذوب شد. ما باید بکوشیم که به قدرت جسمانی برای درگیری و نابودی سران دشمن متوسل شویم و آنها را در شرایط لازم برای ایجاد تزلزل در میان‌شان، سر به نیست کرده و حتی با اعمال قهر انفرادی به این وظیفه مهم نایل شویم. تاکتیک ترور توده‌ای سازمان‌یافته، که اجرایش در خدمت مصالح جنبش عمومی انقلابی باشد و با نظارت صورت پذیرفته که به تعبیرات «اوباشانه» منجر نشود، بحثی است که نه تنها لنین از آن در قیام یاد می‌کند، بلکه از تجربه زنده انقلاب بهمین برمی‌آید. در انقلاب بهمین نیز چنین بود و ترور بخشی از ارتشیان در پایگاه لویزان به تزلزل درون ارتش منجر شد. این وظیفه را فقط شرکت مردم در مبارزه، درجه فداکاری آنها و مهم‌تر از همه سازمان متشکل انقلابی و رهبری این سازمان انجام خواهد داد. لنین با استناد به مارکس می‌گفت: «دسامبر صحت یکی دیگر از اصول عمیق مارکس را که اپورتونیست‌ها آترا فراموش کرده‌اند، به طور نمایانی تأیید کرد. این اصل حاکی است: قیام فن است و قاعده عمده این فن هم عبارتست از تعرضی که باید با از جان گذشتگی جسارت‌آمیز و عزم راسخ انجام گیرد. ما این حقیقت را به اندازه کافی فرا نگرفته بودیم. ما این فن و این قاعده تعرض به هر قیمتی که باشد را نه خودمان به قدر کافی آموخته و نه به توده‌ها یاد داده بودیم. ما اکنون باید با تمام انرژی جبران مافات بنمائیم» (منتخبات ۴ جلدی آثار لنین به فارسی جلد اول، قسمت دوم صص ۱۹۷-۱۹۶).



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروتن با ما تماس حاصل فرمائید

بر نمی‌تابد و زیر بار قوانین قرون وسطایی نمی‌رود، بنابر این راهی جز تحولات ریشه‌ای و منطبق با منافع عموم مردم وجود ندارد. اما جمهوری اسلامی هیچ تمایلی به دیدن مسایل و مصایب مردم و شنیدن صدای آنها ندارد و تاکنون پاسخ مردم و مطالبات آنها، چیزی جز خشونت، کشتار و سرکوب نبوده است. بر اساس گزارش‌های رسمی در خلال هفت هفته اخیر بیش از ۲۳۰ نفر در ایران جان خود را از دست داده‌اند. با توجه به مقدمه فوق، خواسته‌های فراحزبی، ملی و دمکراتیک ایرانیان مقیم «لین شوپینگ» به شرح زیر است:

- « ما خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی هستیم.
- « ما خواهان آزادی بیان و مطبوعات و آزادی در انتخاب پوشش و انحلال گشت ارشاد هستیم.
- « ما خواهان اتحادیه‌های مستقل کارگری و احزاب و اجتماعات هستیم.
- « ما خواهان جدایی کامل دین از دولت و آموزش هستیم.
- « ما خواهان تساوی حقوق همه قومیت‌های ایران، در عین حفظ تمامیت ارضی و یکپارچگی ایران هستیم.
- « ما مخالف تحریم‌های اقتصادی علیه مردم ایران هستیم.
- « ما مخالف هر گونه دخالت نظامی در ایران هستیم.
- « ما خواهان تساوی کامل حقوق زن و مرد و برچیدن هرگونه تبعیض و نابرابری در ایران هستیم. زیرا بر این باوریم که آزادی زن، معیار آزادی جامعه است. بدین معنی که ظلم و ستم جنسیتی و طبقاتی در جامعه وجود نداشته باشد

ایرانیان آزادی‌خواه مقیم «لین شوپینگ»، وظیفه خود می‌دانند تا در چارچوب اصول فوق، تصویری صحیح از مبارزه مردم ایران ارائه دهند و همستگی مردم سوئد، بویژه فعالان سیاسی و مدنی، سندیکاهای کارگری و احزاب سیاسی را نسبت به خواسته‌های مردم ایران جلب نمایند.

زنده باد همبستگی با مبارزه مردم ایران برای آزادی، دمکراسی و عدالت اجتماعی!

ایرانیان آزادی‌خواه در «لین شوپینگ»  
۵ نوامبر ۲۲ برابر با ۱۴ آبان ۱۴۰۱ \*



## تجمع ایرانیان آزادیخواه در «لین

### شوپینگ» سوئد

عصر روزشنبه ۵ نوامبر چند صد نفر از ایرانیان مقیم این شهر و شهر وندان سوئدی گرد آمدند و با مردم ایران برای کسب حقوق‌شان ابراز همبستگی نمودند. شعارهایی در این تظاهرات از جمله آزادی فوری زندانیان سیاسی و مطالباتی نظیر آزادی بیان و عقیده، احزاب و سندیکا و اجتماعات... سر داده شد. چند روزنامه محلی نیز به انتشار عکس و بیانیه این تجمع مبادرت کردند. متن بیانیه فارسی به شرح زیر است .  
گزارش از افسانه /لینشوپینگ

۱۵ آبان ۱۴۰۱

[https://lkpg.news/2022/11/05/protesterna-mot-den-iranska-regimen-fortsatter#/google\\_vignette](https://lkpg.news/2022/11/05/protesterna-mot-den-iranska-regimen-fortsatter#/google_vignette)

\*\*\*

بیانیه ایرانیان آزادیخواه در «لین شوپینگ»

دوستان عزیز!

جامعه پویا و جوان ایران که تغییرات در نیازهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را تسریع کرده است، ساختار فعلی را

## بگذارید زمین زیر پای جنگ‌افروزان بین‌المللی داغ‌تر شود!

روسیه کشور است پهناور، غنی و قدرتمند. مساحتی بیش از ۲۰ میلیون کیلومتر مربع دارد که تقریباً دو و نیم برابر آمریکا است. روسیه فقط یکبار، آنهم از جانب شرق مورد هجوم و تاخت و تاز دو سردار نامی «چنگیزخان سوبوتای» و «جبه‌نویان»، قرار گرفت و به تصرف مغولان درآمد و این اتفاق در دورانی رخ داد که کشور روسیه یکپارچه و متحد نبود و به صورت امیرنشین‌های غیرمتحد و توسط «کنیازها»ی ریز و درشت اداره می‌شد!

اما مهاجمان غربی، که همواره سودای تسلط بر این کشور ثروتمند و رقیب قوی را در سر داشتند، هرگز نتوانستند روسیه را به زانو درآورند و تصرف نمایند. سوئدی‌ها، فرانسوی‌ها در اوج قدرت «ناپولئون» و آلمان‌ها در زمان «هیتلر»، که قدرتمندترین ارتش جهان را در اختیار داشت هر یک در عهد خود و با تمام قوا به روسیه تاختند ولی هر بار با شکست سختی مواجه گردیدند.

اینبار هم امپریالیسم آمریکا بنا بر سرشت تجاوزکارانه و جنگ‌طلبانه خود، و البته به دلایل گوناگون دیگر که توضیح آن در حوصله این نوشته مختصر نمی‌گنجد، با کمک نزدیک به چهل کشور «ناتویی» بار دیگر از جانب غرب، کشور روسیه را مورد تهاجم همه جانبه قرار دادند، تا بلکه ملت و کشور روسیه را تجزیه و بر منابع و ثروت آن دست یابند.

واضح است که جنگ غرب به رهبری آمریکا، علیه روسیه جنگی تجاوزکارانه و غیرعادلانه است و دفاع روسیه از سرزمین مادری و تمامیت ارضی‌اش در مقابل متجاوزان غربی، سوای ماهیت نظام حاکم بر آن، کاملاً منطقی و مورد تایید همه آزادیخواهان و عدالتخواهان جهان است!!

بگذارید بورژوازی سفید و سیاه و زرد در رسانه‌های گفتاری و نوشتاری‌شان در جهان و به همراه چاکران رنگارنگ درگاه‌شان از «چپ‌های» لوچ، بریده، واداده، پُرگو و مزدبگیر گرفته تا خرده بورژوازی «همه چیزدان» ولی بی‌سواد تاریخی - سیاسی و «اصلاح‌طلب‌های» مرفه و بی‌جنم، شباروز حقیقت را وارونه جلوه دهند و سفید را سیاه بنمایانند!

بر روشنفکران تیزهوش و عدالت‌خواهان جهان و ایران، پیشاپیش عیان بود که بازنده اصلی چنین جنگ تجاوزکارانه و آمریکا ساخته علیه ملت روس، در درجه اول کشور «اوکراین» و سپس کشورهای اروپایی خواهند بود!  
نشانه‌های اولیه شکست مهاجمان غربی را می‌توان از تظاهرات، اعتراضات و اعتصابات صدها هزار نفری در کشورهای عضو

ناتو از جمله در مولداوی، آلبانی، بلغارستان، اسپانیا، ایتالیا، فرانسه، یونان، آلمان، کره جنوبی و ژاپن و مهاجرت میلیونها اوکرایینی از زادگاه‌شان، برشمرد!

تورم، گرانی، پایین بودن سطح دستمزدها، بحران سوخت، بالا رفتن قیمت بنزین، ارسال کمک‌های میلیاردی و بویژه تجهیزات نظامی به اوکراین، که هزینه‌های آن تماماً از جیب مردم زحمتکش اروپا پرداخت می‌شود، کارگران و زحمتکشان اروپایی را وارد خیابان‌ها نمود تا بر سر دولت‌مردان بی‌لیاقت، بی‌شخصیت و سیاستمداران حلقه به گوش آمریکا فریاد بکشند که شماها مشتی آدم‌های حقیری هستید که بازیچه دست امپریالیسم آمریکا شده‌اید!

به نظر می‌آید که عنان اختیار از دست اصطلاح مسخره (جامعه جهانی) یعنی آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان - این «جهان متمدن»، «جهان دموکراسی و حقوق بشر» - که در اصل جهانی بی‌رحم، غارت‌گر، ریاکار و جنگ‌افروزی بیش نیستند و سرشت‌شان با استعمار و استثمار و بردگی و قتل و کشتار بومیان آمریکایی و سیاهان آفریقایی عجین است، دارد خارج می‌شود!

### جهان تک قطبی سر بر نشیب دارد.

اگرچه پس از درگذشت استالین کبیر، رویونیست‌ها در اتحاد شوروی حاکم شدند و شوروی را از نظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از هم فروپاشاندند، ولی قدرت تسلیحاتی روسیه دست نخورده باقی ماند و این تسلیحات توسط دانشمندان روسی هرچه بیشتر تکامل پیدا کردند و مدرن‌تر شدند. بر این اساس و با توجه به اتحاد مردم روس و تقویت ملی‌گرایی در روسیه، با جرات می‌توان گفت که اینبار هم مهاجمان غربی متحمل شکست سنگینی خواهند شد!!

آمریکا در تاریخ حداکثر ۲۵۰ ساله خود، به مانند اسرائیل، هیچگاه یک کشور با اصل و نسب نبوده و نیست. آمریکا، که بنا به گفته «جیمی کارتر» ۲۳۰ سال از «تاریخ‌اش» را در جنگ سپری کرده، همواره جایی برای کسب و کار و تجارت دزدان و راهزنان و آدم‌کشانی نظیر «ژنرال کاستر»، «ترومن»، «بیل کلینتون»، «دیک چنی»، «دونالد رامسفلد»، «جرج بوش (پدر و پسر)» و مافیایی‌هایی مثل «دون کورلثون»، «آل کاپون»، «دلینجر»، «جسی جیمز»، «بیلی کید»، «بوچ کاسیدی» و صدها گروه‌های قاچاقچی و گانگستری و غیره بوده است!

حق به دست «شکسپیر» بوده که گفت:

«جهنم خالی ست،  
تمام شیاطین همینجا،  
روی زمین‌اند....» \*

این رسانه‌های ضدایرانی احترام می‌گذارند! به فاصله چند روز گروه‌های اپوزیسیون فایل جدیدی از خبرنگار بی‌بی‌سی فارسی منتشر کردند. در این فایل رحیم پور می‌گوید: «باید بفهمید منظور من چیه. کشورهای منطقه، ایران دموکراتیک که نمی‌خواهند». او سپس به شورش‌های خیابانی اشاره کرده و می‌گوید از خشونت‌ها که در روزهای اخیر دیده ترسیده و تعجب کرده و اگر این روند ادامه پیدا کند «به سمت جنگ داخلی پیش خواهد رفت».

دشمنان ایران با استخدام وطن فروشان بی‌مقدار خودنما به تبلیغ علیه مردم شرافتمند و زحمتکش ایران پرداخته و می‌پردازند. دشمنان گمان برده‌اند که ایران با کمک عروسک‌های مزدوری که نقش چرخ پنجم دشمن‌گذار را برعهده گرفته‌اند، فتح خواهد شد. امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها جنگی تمام‌عیار را علیه ایران برانداخته‌اند و نقش این جنگ تبلیغاتی را به ایرانیان خودفروخته سپرده‌اند تا با روح و روان مردم بازی کنند تا عرق ملی و عشق به میهن را به کناری بگذارند. زهی خیال باطل!

بسیاری از تلویزیون‌های فارسی زبان برون مرزی با پول کشورهای میزبان و یا مرتجعین منطقه به تبلیغ برای ویران ساختن ایران، فعال هستند و هرازگاهی برای خوش رقصی بیشتر با یکدیگر در رقابت و نزاع قرار می‌گیرند. این خبرگزاری‌ها که از تمام امکانات و مشاوره روانشناسان، جامعه‌شناسان و ... برخوردار هستند، طبق فرمان اربابان خود برای جلوگیری از نقش پر اهمیت ایران در ایجاد جهان چند قطبی، برای نابودی، تجزیه و آشوب دائمی ایران به صف شده‌اند و در این راستا به پخش اخبار جعلی و یا غلو شده و همچنین کتمان و تحریف واقعیت می‌پردازند.

هم اکنون بعد از تلاش دیوانه وار فراوان، مجریان خبرگزاری‌های ضدایرانی متوجه شده‌اند که تیرشان به سنگ خورده است و توان نابودی این مرز و بوم را ندارند. حال بعد از تروریستی خواندن این خبرگزاری‌های دروغ پرداز از طرف ایران و مجرم خواندن کارکنان آن‌ها و کسانی که همراه با آنان آب به آسیاب نابکاران می‌ریزند، ترس و وحشت در میان عده‌ای از آنان بوجود آمد و به فکر عافیت جویی افتادند. در این میان مجری (بی بی سی)، هم برای دور کردن اتهام از خود و هم برای عقب زدن حریف ارباب خود فایل صوتی از مکالمه خود با مادرش علیه تلویزیون سعودی (اینترنشنال) را پخش کرد تا مردم و بینندگان ایرانی را فریب دهد که گویا خود و اربابش (بی بی سی) با دیگر خبرگزاری‌ها تفاوت دارند. ولی واقعیت این است که تمامی این به ظاهر خبرگزاری‌ها در واقع اتاق فکر جنگی همه جانبه هستند. و آن هم نه فقط جنگ خبری، زیرا وقتی در این تلویزیون‌ها آموزش جنگ خیابانی می‌دهند، جز تروریست، چه نامی می‌توان به آن‌ها نهاد؟ در این فایل صوتی که در ابتدا از طرف «رعنا رحیم پور» تأیید نیز شد، این مجری بی



## در حاشیه جنگ رسانه‌های فارسی زبان لندن نشین

وقتی گرگ‌ها از پیدا کردن غذا و خوراک کاملاً ناامید می‌گردند، ضعیف‌ترین گرگ توسط بقیه تکه پاره و بلعیده می‌شود و یا به لاشه‌خواری روی می‌آورند. مدتی است نزاع رسانه‌های امپریالیستی فارسی زبان بر سر مزدوری یکدیگر و اهداف ضدایرانی‌شان بالا گرفته است. نزاعی که حالا رنگ فحاشی و اتهام‌های سنگین به خود گرفته است، رسانه «سعودی اینترنشنال» که در لندن مستقر است، بی‌بی‌سی فارسی دیگر رسانه‌های لندن را بابت ارتزاق از مالیات انگلیسی‌ها به سخره می‌گیرد اما توضیحی درباره دلارهای نفتی عربستان، که هزینه شبکه‌اش می‌شود، نمی‌دهد. متقابلاً خبرنگار بی‌بی‌سی فارسی هم پرده از اهداف شوم و ضدایرانی این شبکه سعودی برمی‌دارد. حالا آن‌ها در حالی با کارنامه‌ای سیاه در فعالیت‌های ضدایرانی‌شان به یکدیگر نیش و کنایه می‌زنند که نباید در این میان به یکدیگر بختند! به گزارش «وطن امروز»، هفته گذشته بود که یک فایل صوتی از رعنا رحیم پور، خبرنگار بی‌بی‌سی فارسی منتشر شد که عملاً به وجود یک سناریو برای فعال کردن گسل‌های قومیتی و حرکت به سمت تجزیه‌طلبی در حاشیه آشوب‌های خیابانی اخیر در ایران اعتراف می‌کرد. در این فایل صوتی وی به شکل بی‌پرده از هدف تکه‌تکه و تجزیه شدن ایران خبر می‌دهد و تأکید می‌کند هدف پشت پرده اعتراضات در ایران نه دموکراسی، بلکه تجزیه است! رحیم پور مشخصاً خبر می‌دهد در رسانه سعودی ایران اینترنشنال ابلاغ شده که فقط با رهبران احزاب «تجزیه‌طلب» گفت‌وگو و به آنها تریبون داده شود. خبرنگار بی‌بی‌سی فارسی اصالت این فایل صوتی را در صفحه اینستاگرامش تأیید کرده است اما به‌رغم اشاره صریح به پشت پرده دامن زدن به آشوب و جنگ توسط کانال تلویزیون سعودی اینترنشنال و دیگر پایگاه‌های مشابه، گفته است. به خبرنگاران



## در جبهه نبرد طبقاتی

اخبار، گزارشات و اعتراضات کارگری در آبان ماه ۱۴۰۱

زین عصا تا آن عصا فرقیست ژرف

زین عمل تا آن عمل راهی شگرف مولوی

قتل «مهسا امینی» در ماه اردیبهشت، به سرعت خواسته آزادی پوشش و احترام به آزادی‌های فردی را، که همواره از اصلی‌ترین خواسته‌های دموکراتیک زنان و مردان ایران بوده است، به مطالبه‌ای تبدیل کرد که تمام ایران را به صحنه مبارزه رودررو با جمهوری اسلامی کشاند. ولی متأسفانه به دلیل نبود تشکیلی قدرتمند و سراسری، که مورد اعتماد عموم مردم ایران باشد، رهبری این مبارزه برحق به انحراف رفت و با کمک و مداخله نیروهای اجبر شده ضد ایرانی، به شورش کور تبدیل شد. این اعتراضات پراکنده و فاقد چشم‌انداز فرصت مناسبی برای نیروهای سرکوب‌گر حاکم شد تا با نیروی تا به دندان مسلح خود به جنگ کارگران و زحمتکشان غیر متشکل بیایند. علاوه بر سیاست حاکم بر این خشم و انتقام‌کنونی ضرباتی نیز بر پیکر مبارزه صنفی کارگران و زحمتکشان وارد ساخته است و آن را به حاشیه رانده است. جمهوری اسلامی علاوه بر این با سناریوهای امنیتی بسیاری از فعالین کارگری و صنفی را بازداشت کرد و فعالیت کارگران و مزدبگیران فرودست را به حداقل رسانید. و ضربه دیگر این است که آن بخش از فعالین صنفی، که همواره به اشتباه، بر سیاسی‌کاری تشکلات صنفی پافشاری می‌کردند، این فضا را مناسب دیده و با دو قطبی شدن جامعه، تشکیلی چون شورای هماهنگی تشکلات فرهنگی ایران را، که اعتصابات سراسری را رهبری کرده و در اقصی نقاط ایران تشکلات فرهنگی را بوجود آورده بود، بدانجا سوق دادند که از یک تشکل صنفی نسبتاً موفق، به تشکیلی که گمان می‌برد می‌بایست انقلابی راهبردی کند، تبدیل شد. چنین سیاست انحرافی نه تنها به گسترش تشکیلاتی خود نیافزود، بلکه از اعتبار و اتوریته کمتری نسبت به قبل برخوردار گردید و تا آنجا عقب رفت که پاسخ مثبت به فراخوان‌های آن برای اعتصاب، به شهرها و استان‌های بسیار محدود شد و از آخرین فراخوان آبانماه این

بی‌سی طرح تجزیه طلبی را به تلویزیون بن سلمان قاتل و خونریز نسبت داد. تو گویی بقیه تلویزیون‌های وابسته و جیره خوار چنین نکرده و نمی‌کنند. چنان از تجزیه طلبی سخن به میان آورده است که گویی همچون ارشمیدس به کشفی علمی دست پیدا کرده و خودش وهمقطارانش قصد دفاع از تمامیت ارضی ایران را داشته اند.

علی‌رغم وجود کارشناسان مختلف و متعدد در تلویزیون دولتی انگلستان (بی‌بی‌سی)، بند را آب دادند و طشت از بام افتاد و هدف امپریالیست‌ها و مرتجعین منطقه ای آن‌ها بر ملا شد.

بعد از بر ملا شدن هدف تلویزیون اینترنشنال بن اره، مجریان وطن فروش این تلویزیون شروع به افشاء بی‌بی‌سی کردند و این موح برخاسته دیگر تلویزیونهای ضد ایرانی را نیز به میدان افشاگری علیه یکدیگر کشاند و آنچه بر همه هویدا بود از زبان خودشان مطرح شد.

ولی در این میان، آنچه از همه مهمتر است، وضعیت گروه‌های تجزیه طلب چپ و راست است که کماکان از شکست‌های گذشته خود در همکاری با صدام و دولت جعلی بی‌جه کش اسرائیل درس نگرفته اند و به امید دلارهای باد آورده و به امید بودن در رکاب نیروهای امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها در زمان حمله به ایران، در این تلویزیون‌ها حاضر می‌شوند و همچون عروسک‌های خیمه شب بازی به روده درازی ادامه می‌دهند. از قدیم گفته‌اند که «بر دیوانه حرجی نیست!». اینان که مبارزه را با راحت‌الحلقوم اشتباه گرفته بودند، وقتی امکان قدرت یابی برای خود را حتی در خواب و خیال نیز ندیدند، عقل از کف داده و به در یوزگی افتادند و از گروه‌هایی با عقاید ضد امپریالیستی - ضد صهیونیستی به مزدورانی برای دلارهای بی‌ارزش تبدیل شدند.

این نزاع چه ساختگی و از پیش طراحی شده باشد و چه واقعی، تغییری در ماهیت این رسانه‌ها و کارویژه‌های ضدایرانی‌شان به وجود نمی‌آورد. با این حال سیرک اخیر را می‌توان نمایش رسوایی تریبون‌دارانی دانست که این سال‌ها پشت نقاب پوشش صدای ایرانیان، انواع عملیات‌های روانی را برای تضعیف انسجام ملی ایرانیان به کار بردند. رسانه‌های لندن در هفتاد روز گذشته برای روشن نگه داشتن آتش اعتراضات بدون چشم‌انداز مردم در خیابان تمام حیثیت و اعتبار خود را به میدان آوردند. و لخرجی آنها لاجرم به رسوایی اخیر منتهی شد.

رعنا رحیم‌پور خبرنگار تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی پس از این بازی از پیش طرح شده که با شکست روبرو شد در یک استوری نوشت که ایران را برای همیشه در خودش کشته است. ولی واقعیت این است که بی‌وطن‌ها از آنجاییکه دارای هیچ هویت ملی نیستند خود را کشته و بی اعتبار شده اند. \*

از حقوق ابتدایی و بدیهی کارگران و فعالیت علنی سندیکایی مرتکب نشده‌اند و همکاران ما باید فوری و بدون قید و شرط آزاد گردند».

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران با انتشار بیانیه‌ای احکام ظالمانه برای فعالین صنفی را محکوم ساخت. در این بیانیه آمده است: «... اگر امروز خروشی در جامعه پدید آمده است حاصل رنج‌ها، مرارت‌ها، زندانی کشیدن‌ها و ضرب و شتم کنشگران سندیکایی است که در بدترین شرایط جامعه در سال‌های ۱۳۸۴ به بعد سکوت جامعه را شکستند و ندای حق خواهی سر دادند. امروز این احکام هم نمی‌تواند نه جامعه را مرعوب کند و نه سندیکالیست‌ها را. شهابی، بدافی، سعیدی، حبیبی و ابراهیمی تنها نیستند، جنبش کارگری و جامعه ایران از این فرزندان خود حمایت بی دریغ خواهد کرد».

## ۶ آبان

«رضا شهابی» با انتشار نامه سرگشاده‌ای سناریوی امنیتی علیه فعالین صنفی را افشاء کرد. در این نامه سرگشاده آمده است: «... متأسفانه در شرایط کنونی، بنده و دوستان سندیکایی و صنفی همانند سایر اقشار مردم از هر گونه امکان اطلاع رسانی سراسری محروم هستیم، صدا و سیما میلی به ناقح، بطور یکجانبه و بدون هیچگونه اسناد و مدارک معتبر از هر گونه اتهام واهی و دروغ پرهیز نکرده و حتی به خود اجازه می‌دهد پیش از تشکیل دادگاه فرمایشی، اتهامات واهی را بدون توجه به حقوق انسانی و قانونی متهمین در رسانه‌های سراسری منتشر کند. از آنجائی که هرگونه شکایت ما از صدا و سیما و مراجع قضایی و حاکمیتی به هیچ نتیجه‌ای نخواهد رسید، شکایت، مظلومیت و بی‌گناهی خود را به پیشگاه ملت غیور و گذشت زمان واگذار می‌نمائیم».

## ۹ آبان

جلسه اول دادگاه «کیوان مهتدی» برگزار شد و ادامه دادگاه به جلسه دوم موکول شد. قاضی دادگاه علی‌رغم گذشت شش ماه از بازداشت موقت «کیوان مهتدی»، با آزادی ایشان به قید وثیقه مجدداً مخالفت کرد. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه هرگونه پرونده‌سازی را علیه فعالین کارگری و مدنی محکوم ساخت و خواستار آزادی بی قید و شرط «کیوان مهتدی»، فعالین کارگری، معلمی، دانشجویی، دانش آموزی، فعالین جنبش زنان، معترضین بازداشتی و زندانیان سیاسی شد.

## ۱۱ آبان

«انوش عادل»، «محمود صدیقی‌پور» و «عزیز قاسم‌زاده»، اعضای هیئت مدیره کانون صنفی فرهنگیان گیلان، به یکسال زندان محکوم شدند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران با انتشار اطلاعیه‌ای رأی صادر شده علیه سه

تشکل برای اعتصاب در روزهای ۲۹ و ۳۰ آبان استقبالی نگردید. در صورتی که اعتصابات قبلی با فراخوان شورای هماهنگی، در تمامی استان‌ها و در شهرهای بی‌شمار مورد استقبال وسیع فرهنگیان قرار می‌گرفت. آنان که گمان می‌کردند که می‌توانند همه مردم را به صحنه مبارزه بکشانند، در حال حاضر به گله‌گذاری روی آورده‌اند که چرا مردم در همه جا همچون کردستان به مبارزه روی نمی‌آورند و ساکت شده‌اند و نمی‌دانند که انقلاب با تهدید و اجبار صورت نمی‌گیرد. فعالان صنفی و مدنی می‌بایست برای به دست آوردن رهبری توده‌های هرچه گسترده‌تر، در همان محدوده مبارزات صنفی و دموکراتیک باقی بمانند تا در دریای توده مردم امکان شناگری مبارزان سیاسی فراهم آید. این تنها راه است پیشروی و ارتباط با توده مردم است و راهی جز این متصور نیست. اگر چه وقایع و رخدادهای کارگری در آبانماه کمتر از گذشته بود، ولی مبارزه طبقاتی پایان نمی‌پذیرد، در اشکال مختلف ادامه می‌یابد. در ادامه به رخدادهای مبارزاتی در آبان نظری می‌اندازیم:

\*\*\*

## سرکوب و مقاومت

### ۱ آبان

حکم دادگاه بدوی معلمان زندانی، که ۱۰ اردیبهشت دستگیر شدند، صادر شد. «محمد حبیبی» ۳ سال و ۷ ماه، «جعفر ابراهیمی» ۴ سال و ۶ ماه و «رسول بدافی» ۴ سال و ۶ ماه. ظمناً هر سه نفر به دو سال منع فعالیت و عضویت در گروه‌ها و ممنوعیت خروج از کشور نیز محکوم شدند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان احکام صادر شده را محکوم ساخت و خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط معلمان زندانی شد.

سندیکای کارگران شرکت واحد احکام ناعادلانه علیه معلمان زندانی را شدیداً محکوم ساخت و در اطلاعیه خود آورد: «تنها «جرم» این فعالین خوشنام تشکلهای صنفی معلمی تلاش جهت احقاق حقوق اولیه معلمان و دانش‌آموزان و دفاع از آموزش و پرورش همگانی و رایگان بوده است».

جمعی از فعالین صنفی شهرستان مریوان، با حضور در منزل آقایان «اسکندر لطفی»، «مسعود نیکخواه» و «خانم گللاه وطن دوست»، وکیل و فعال حقوق زنان، با خانواده ایشان دیدار کردند. اعضای انجمن صنفی معلمان کردستان مریوان، در این دیدار خواستار آزادی بی قید و شرط تمام معلمان و فعالین زندانی شدند.

«رضا شهابی» و «حسن سعیدی» به اتهامات واهی فعالیت تبلیغی علیه نظام و اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، به مجموعاً ۶ سال حبس تعزیری (۵ سال اجرایی) محکوم شدند و در حکم صادره مجازات تکمیلی مبنی بر ممنوعیت خروج از کشور و عضویت در احزاب و فعالیت در شبکه‌های اجتماعی و منع از اقامت در تهران و استان‌های مجاور به مدت ۲ سال تعیین شده است. سندیکای کارگران شرکت واحد با انتشار اطلاعیه‌ای این احکام ظالمانه را شدیداً محکوم ساخت. در این اطلاعیه آمده است: «این فعالین شناخته شده سندیکای کارگران شرکت واحد هیچ جرمی جز حمایت

عضو هیئت مدیره کانون صنفی فرهنگیان گیلان را محکوم ساخت. در بخشی از این اطلاعیه آمده است: «روند برخورد با کنشگران صنفی و مدنی بیش از همه ضرر و زیانش متوجه حاکمیت خواهد بود و با مسدود کردن فیلترهای نقد مصلحانه و معلمانه و محدود کردن فعالیت‌های قانونی کانون‌های صنفی معلمان و دیگر نهادهای مدنی و زندانی کردن فعالان صنفی و مدنی، مواجهه مستقیم اعتراضات عمیق‌تر لایه‌های مختلف جامعه را با شتاب بیشتری تسریع خواهد بخشید. انتظار می‌رود حاکمیت با پایان دادن به روند بازداشت‌ها و زندانی کردن و سرکوب منتقدان و معترضان، راه کم هزینه‌تری را در مسیر خواسته‌های به حق مردم انتخاب نماید».

کانون نویسندگان ایران با انتشار بیانیه‌ای خواستار آزادی زندانیان سیاسی شد. در این بیانیه آمده است: «... کانون نویسندگان ایران از مردم آزادیخواه و تشکل‌های مستقل و نهادهای همسو در سراسر جهان می‌خواهد که صدای زندانیان سیاسی، بازداشت‌شدگان اخیر و جنبش آزادیخواهی مردم ایران باشند».

«احمد تقوی (نقوی)»، فعال صنفی معلمان ابهر، که به اتهام تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی در دادگاه انقلاب این شهرستان به یکسال زندان محکوم شده بود، برای اجرای یک سال حکم به زندان رفت. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران ضمن حمایت از این فعال صنفی خوشنام و محکومیت رای صادر شده علیه «نقوی» همچنان تاکید می‌کند این بگير و به بندها کم‌ترین خللی در روحیه و اراده کنشگران صنفی و مدنی ایجاد نخواهد کرد و مسیر آزادی و عدالت را با اراده و انگیزه بیش‌تری طی خواهند کرد.

## ۱۲ آبان

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران با انتشار بیانیه‌ای حمایت خود از «سوران (اسکندر) لطفی» و «مسعود نیکخواه» را اعلام داشت. در این بیانیه آمده است: «... شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، کل پرونده‌ای که برای این دو معلم و نیز دیگر معلمان و کارگران ساخته و پرداخته شده است را یک سناریوسازی بی‌اساس و غیرقانونی می‌داند. این شورا معتقد است که معلمان و نیز کارگران و فعالین بازداشت شده در جریان پرونده‌ی مرتبط با دو توریست فرانسوی، مطلقاً مرتکب هیچ نوع جرمی نشده‌اند و هر آنچه انجام داده‌اند در دایره‌ی دغدغه‌های صنفی معلمان، فرهنگیان و کارگران بوده است. ... شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران خطاب به حاکمیت می‌گوید که این معلمان الگوی ما و دانش‌آموزانمان هستند؛ ما و دانش‌آموزان از سوران و مسعود و دیگر معلمین زندانی درس آزادگی، حق‌خواهی و برابری طلبی می‌آموزیم. زندان و شکنجه، فقط محبوبیت آنها و آرمان‌هایشان را برای مدرسه، دانش‌آموز و معلم بیشتر خواهد نمود».

## ۱۵ آبان

ماموران امنیتی «سروناز احمدی» و «کامیار فکور»، زوج کنشگر و روزنامه‌نگار مدافع حقوق کارگران را بازداشت کردند. «کامیار فکور» پیش‌تر از سوی دادگاه انقلاب تهران به زندان محکوم شده بود. نام نهاد بازداشت‌کننده، اتهام و محل نگهداری آن‌ها مشخص نیست.

«ریحانه معروف»، دبیر شورای صنفی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برای دومین بار از آغاز اعتراضات، مقابل درب دانشکده توسط لباس شخصی‌ها ربوده شد.

قرار بازداشت موقت «اسکندر لطفی»، پس از یک ماه بازداشت مجدداً تمدید شد. ایشان پیش‌تر نیز در یازدهم اردیبهشت ماه به همراه «شعبان محمدی» و «مسعود نیکخواه»، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و سرانجام روز چهارشنبه ۲۶ مرداد ماه به قید وثیقه ۲ میلیارد تومانی موقتاً و تا زمان تکمیل پرونده از زندان آزاد شد.

## ۱۷ آبان

«داود رضوی»، فعال کارگری، که در زندان اوین بازداشت می‌باشد، طی تماس تلفنی کوتاهی به خانواده خود اطلاع داد که قرار بازداشت موقت ایشان یک ماه دیگر تمدید شده است و همچنان تحت بازجویی می‌باشد. سندیکای کارگران شرکت واحد خواستار آزادی کلیه فعالین کارگری، معلمی، دانشجویی، دانش‌آموزی، فعالین جنبش زنان، معترضین بازداشتی و زندانیان سیاسی شد.

## ۱۸ آبان

«پیروز نامی»، دبیرکل کانون صنفی معلمان خوزستان از زندان آزاد شد. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران ضمن تبریک آزادی ایشان، اظهار امیدواری کرد که حاکمیت با تجدیدنظر اساسی در شیوه و منش خود و احترام به حقوق شهروندی و حق انتخاب مردم بر سرنوشت خود، مانع خسارت‌های بیش‌تر به کشور گردد.

## ۲۵ آبان

«جعفر ابراهیمی» به دلیل مشکلات گوارشی، در اثر عدم رسیدگی پزشکی تخصصی در زندان، وضعیت جسمی وخیمی پیدا کرد و در بخش گوارش بیماران بیمارستان هزار تخته‌خواب تهران، (امام خمینی) بستری شد. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، خواهان آزادی بی‌قید و شرط هر چه سریع‌تر «جعفر ابراهیمی» و دیگر فعالین صنفی، مدنی، سیاسی و بازداشت‌شدگان اخیر شد.

**نفت، گاز، پتروشیمی و نیروگاه‌ها**  
**۴ آبان**



دلیل سوگند پزشکی انجام خواهند داد.

### ۲۵ آبان

کارگران بخش‌های مختلف شرکت ذوب آهن اصفهان طبق فراخوان قبلی با خواست افزایش دستمزد و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، برای دومین روز دست به اعتصاب و تجمع زدند. کارگران روز پیش در خیابان با سردادن شعارهای مطالباتی خود راهپیمایی کردند. این اعتصاب در ادامه اعتصاب کارگران در روزهای ۱۷ و ۱۸ آبان صورت گرفت. مدیریت شرکت، نبود منابع مالی را دلیل تعویق مطالبات کارگران اعلام کرد، اما کارگران در فراخوان ۲۴ آبان ماه، مدیران را دروغ‌گو خوانده و افزودند که مقابل دروغ‌گویی و بی‌عدالتی می‌ایستند. صبح ۲۴ آبان، مدیریت شرکت یک میلیون تومان به حساب آنها واریز کرد اما کارگران مجدداً خواهان افزایش دستمزدها و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل شدند.

### ۲۸ آبان

کارگران سایت ۳ شرکت کروزر در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات‌شان مجدداً دست از کار کشیده و در محوطه کارخانه دست به تجمع زدند. روز پنجشنبه ۲۶ آبان نیز کارگران در اعتراض به لغو کلیه شیفت‌های اضافه کاری روز جمعه و سطح پایین دستمزدها، تجمع اعتراضی برگزار کرده بودند. کارگران شاغل در کارخانه داروگر تهران نسبت به بی‌توجهی کارفرما به پرداخت چهار ماه حقوق و ۶ ماه حق بیمه اعتراض کردند. با پرداخت نشدن حق بیمه، کارگران از دریافت خدمات درمان تامین اجتماعی محروم شده‌اند. در حال حاضر تعداد کارگران این کارخانه به حداقل ۱۱۰ تا ۱۲۰ کارگر کاهش یافته و با همین تعداد نیروی کار، ماهیانه ۳۵ تن شامپو و مایع ظرفشویی تولید می‌شود. کشاورزان اصفهان در اعتراض به عدم دریافت حق آبه دست به تجمع و راهپیمایی اعتراضی زدند. سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران به درستی می‌گوید: «سرمايه داری هراس عمیقی از سازمان یافتگی جنبش کارگری و تاثیرهای آن بر جنبش عمومی آزادیخواهی دارد و از اینرو در سال‌های اخیر همه تلاش‌های خود را به کار بسته است تا از نزدیکی، هماهنگی و مبارزه مشترک زحمتکشان در کنار دیگر سازمان‌های اجتماعی جلوگیری کند. خواسته‌های زحمتکشان جدا از خواسته‌های پرستاران، خبرنگاران، آموزگاران، هنرمندان، نویسندگان، دانشجویان و زنان و حتی دانشمندان مردمی نیست. ما خواهان بهبودی وضعیت معیشت مردم ایران، رفع فقر و بیکاری و آزادی‌های انسانی هستیم.» و ما برای پایان سخن اضافه می‌کنیم که راهی جز مبارزه سازمان‌یافته و همگانی و انجام وظایف عهده گرفته هر تشکل صنفی و سیاسی، در جای خود، وجود ندارد. برای گذر از این مسیر سخت و پر سنگلاخ طولانی، تنها راه، مبارزه متشکل، با برنامه و دوری از هیجان‌ات کاذب است. چاره زحمتکشان وحدت و تشکیلات است!

کارکنان پالایشگاه تهران در اعتراض به سطح حقوق و تبعیض در پرداختی‌ها بین کارگران و برای افزایش دستمزد دست به اعتصاب زدند.

### ۱۹ آبان

جمعی از کارکنان رسمی نفت در مناطق مختلف عملیاتی که از روز دوشنبه ۱۶ آبان مطابق فراخوانی از پیش اعلام شده و در اعتراض به عدم اجرای ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات کارکنان وزارت نفت دست به اعتصاب غذا زده بودند برای چهارمین روز متوالی اعتراض‌شان را ادامه دادند. این ماده قانونی، تعیین افزایش حقوق کارکنان عملیاتی وزارت نفت را از چارچوب قانون مدیریت خدمات کشوری مستثنی می‌کند و اجرای آن می‌تواند تأثیر چشم‌گیری بر دستمزد این کارکنان داشته باشد. لازم به ذکر است که کارکنان رسمی در برخی مراکز، که زودتر این حرکت اعتراضی را آغاز کرده بودند، امروز پنجمین روز امتناع از دریافت غذا را پشت سر گذاشتند.

### ۲۳ آبان

بر اساس اطلاعیه «گروه افکار» اعتصاب غذای کارکنان رسمی صنعت نفت پایان یافت. در بخشی از اطلاعیه «گروه افکار» آمده است: «با توجه به اخبار واصله مبنی بر موافقت رئیس‌جمهور با اجرای ماده ۱۰، همانگونه که صبح امروز (در گروه) اعلام شد بطور موقت و جهت فراهم‌سازی مراحل اجرا، فرصت کوتاهی (در حد چند هفته) به مسئولین وزارت نفت خواهیم داد و اگر آقایان از فرصت پیش آمده استفاده نکنند و باز هم ائتلاف وقت اتفاق افتد، در مرحله‌ی بعد با نظرسنجی از همکاران قطعاً اعتراض خود را با شدت و حدت بیشتری به نمایش خواهیم گذاشت.»

### کارگران دیگر

#### ۳ آبان

کارگران شرکت موتورسازان تراکتورسازی تبریز برای دومین روز به اعتصاب خود ادامه دادند. خواست کارگران بازنگری در طرح طبقه‌بندی مشاغل و افزایش حقوق اعلام شده است. کارگران موتورسازان تراکتورسازی تبریز ماه گذشته نیز با خواست‌های مشابهی اعتصاب کرده بودند. اعتصاب آن‌ها در بهمن سال گذشته با خواست امنیت شغلی، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، و به رسمیت شناختن حق تشکل بیش از یک هفته ادامه یافت و با وعده‌های کارفرما متوقف شد.

#### ۷ آبان

پزشکان جراح بیمارستان کوثر سندج در اعتراض به رفتار جمهوری اسلامی با پزشکان دست به اعتصاب زدند. پزشکان جراح در بیمارستان کوثر سندج در اعتراض به هتک حرمت جامعه پزشکی و حمله ساختارشکنانه نیروی انتظامی به خوابگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کردستان دست به اعتصاب زدند. آنها اعلام کردند که فقط اعمال جراحی اورژانسی را به

## نمی‌شود با فرهنگ و اقتصاد نئولیبرالیستی به جنگ امپریالیسم رفت

یکی از دلایل اصلی وضع موجود شکست قطعی و مفتضحانه‌ی ج.ا در حوزه‌ی فرهنگی است که البته مستقیماً متأثر است از سیاست‌های کلان اقتصادی نظام در دهه‌های اخیر. اقتصاد نئولیبرال چیزی جز فرهنگ نئولیبرال نمی‌زاید و هژمونی فرهنگ نئولیبرال را نمی‌شود تنها با مذهبی کردن آن خنثی کرد. در دو دهه‌ی ابتدایی پس از انقلاب، تولیدات فرهنگی، با وجود قلع و قمع گسترده‌ی نیروهای چپ و پیشرو، چه از نظر شکل و زیبایی‌شناسی، چه از نظر محتوا، هم‌چنان تا حدود قابل توجهی متأثر از گفتمان عمومی چپ و البته آرمان‌های اولیه‌ی انقلاب مثل عدالت‌طلبی و استقلال و بومی‌گرایی و ... بود.

از میانه‌های دهه‌ی هفتاد و درست هم‌زمان با اوج‌گیری مجدد روند توسعه‌ی سرمایه‌داری در ایران، نظام فرهنگی وابسته به آن هم دوباره پا گرفت و به سرعت جای خود را در همه‌ی حوزه‌ها گشاد و گشادتر کرد. از کپی‌های دست‌چندمی خواننده‌های لس آنجلسی و «خارجی»، فیلم‌فارسی‌های بدون صحنه و کاباره، شاعر و نویسنده‌های صدمن یه غاز، تا برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی که خطبه‌خط کپی از رادیو تلویزیون‌های غربی بودند به سرعت فضای فرهنگی را اشغال کردند. از طرف دیگر رواج عمومی کامپیوتر و ماهواره و اینترنت و دسترسی آسان‌تر مخاطبان به نسخه‌های اصلی و با کیفیت بالاتر.

به تدریج بازار فرهنگ کپی/سانسور شده را از سکه انداخت. به محض ورود شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان دیگر خیلی‌ها تلویزیون نگاه نکردند و به سینما رفتند و موسیقی‌های رادیویی را فراموش کردند. راهکار مدیران فرهنگی چه بود؟ راه‌اندازی شبکه «بیژن»های اشتری. نتیجه؟ غالب مطلق شدن فرهنگ لیبرالی مبتذل. سلبریتی شدن مزخرف‌ترین‌های مردم. «امیرهای تتلو»، «شاهین‌های نجفی»، «بهنوش‌های بختیاری».

از طرف دیگر هم بودند و هستند گروهی از «بچه انقلابی‌ها» که همیشه خواسته‌اند به‌زعم خودشان با این رویه مخالفت کنند. از آن‌هایی که دهه‌ی شصت انقلاب فرهنگی‌شان فقط چپ‌ها را کله پا کرد و بعد خودشان شدند لیبرال‌ترین لیبرال‌ها، براندازترین براندازان؛ آن‌هایی که دهه‌ی هفتاد با زنجیر و چماق حمله می‌کردند به سینماها و تئاترها و روزنامه‌ها و بعد خودشان شدند فیلمساز و روزنامه‌چی و اول سیم‌ها رو قطع کردند و بعد پریدند

روی مین‌ها. تا آن‌هایی که دهه‌ی هشتاد و نود فیلم و سریال امنیتی می‌ساختند و حالا با جیب پر شده‌اند منتقد همان‌هایی که جیب‌هایشان را پر کرده بودند.

این گروه‌ها فکر می‌کنند صرفاً با افزودن مفاهیم و ارزش‌های دینی می‌توانند با اژدهای دهه‌ساز فرهنگ نئولیبرالی کشتی بگیرند. فکر می‌کنند اگر آقا مجید قصه‌شان نماز بخواند یا آقا محمد عرق نخورد ضد فرهنگ تولید کرده‌اند. فکر می‌کنند اگر به‌جای آکادمی گوگوش آکادمی حاج منصور ارضی راه بیندازند و به جای ساسی مانکن تواسیح پخش کنند قضیه حل شده است.

این‌ها نمی‌بینند که فرهنگ نئولیبرالی حتی تا منتهی‌الیه نهادهای مذهبی‌شان هم رسوخ کرده. فکر می‌کنند با عزاداری امام حسین فرهنگ نئولیبرالی را کله پا کرده‌اند. نمی‌دانند که نئولیبرالیسم قادر است عزاداری امام حسین را هم ببلعد یک لیوان آب هم روش. فکر می‌کنند فرهنگ نئولیبرالیستی یعنی مایوی بی‌کینتی و پرچم رنگین‌کمانی. نمی‌دانند که برای سرمایه‌داری نئولیبرال پرچم رنگین‌کمانی و عکس چه‌گوارا و علم امام حسین فرقی ندارد. این‌ها فکر می‌کنند با قرص سردرد می‌توانند سرطان را درمان کنند. وقتی هم نمی‌شود جای عوض کردن دارو، انقدر می‌خورند تا اووردوز کنند.

خلاصه کنم، نمی‌شود با فرهنگ و اقتصاد نئولیبرالیستی به جنگ امپریالیسم رفت. اگر ناراحتید که پروپاگاندا‌ی بنگاه‌های دروغ‌پراکنی شبکه‌های ماهواره‌ای و جنگ رسانه‌ای و تهاجم فرهنگی و این‌ها وضعیت کشور و مردم را به این‌جا رسانده‌اند، باید از خودتان پرسید چرا. چه می‌شود که شبکه‌های مبتذل و مفتضح مثل ایران اینترنشنال یا منوتو مهمان هرشب و روز خانه‌های بسیاری از ایرانی‌ها می‌شوند؟ چه می‌شود که مفتضح‌ترین موجودات جهان مثل علی‌نژادها قهرمان عده‌ای می‌شوند؟

پاسخ ساده است. شما در همه‌ی این سال‌ها هیچ کاری برای ساختن و ترویج یک فرهنگ بومی ضد استعماری، ضد سرمایه‌داری، ضد امپریالیستی نکردید. شما تمام این سال‌ها فقط فرهنگ سرمایه‌داری نئولیبرالیستی استعماری را گرفتید، حجاب و چادر نماز سرش کردید، رنگ اسلامی-ایرانی بی کیفیت بهش زدید و خودتان هم باورتان شد که دارید با تهاجم فرهنگی مبارزه می‌کنید.

با این که خیلی دیر شده ولی هنوز شاید فرصت اندکی باقی باشد برای مقاومت در برابر هژمونی فرهنگی. دو یا پنج سال دیگر شاید خیلی دیر باشد. موشک جلوی موشک را می‌گیرد، جلوی مک‌دونالد و غرب پرستی را نمی‌گیرد

به نقل از کانال تلگرام مدار سرخ از صفحه اسفند \*



عروسکان خیمه‌شب‌بازی دولت‌های غربی معصومه علی‌نژاد (قمی کلایی) بیش‌تر از دیگران سعی می‌کند از این نم‌د کلاهی برای خود بیافد. یک روز برای مادرانی که فرزندان‌شان را در درگیری‌ها از دست داده‌اند، می‌گرید و ساعتی بعد می‌کوشد تا صحبت‌هایش را با این خانواده‌ها به دلار و پوند تبدیل کند، یک روز رهبر جوانان معترض در خیابان‌ها می‌شود و ساعتی بعد به او می‌فهماند که پایش را از گلیم‌اش درازتر نکند که کسان دیگری هم در صف هستند. او که بعد از انتشار عکسی در کنار «مایک پمپئو»، وزیر اسبق امور خارجه آمریکا، جلاد زنان و کودکان عراقی ماهیت جنگ‌افروزانه خود را به وضوح آشکار کرده و دچار ترس و اضطراب گشته بود که شخص دیگری جانشین وی گردد، سعی کرد با اشک‌های تمساح‌وار خود برای ربودن‌اش بوسیله نیروهای امنیتی ایران، دوباره خود را به عنوان معترضی که جانش هم در امان نیست، مطرح کند. آن هم با کمک داستان‌های جعلی که حتی یک بچه دبستانی هم سناریوی آدم‌ربایی بهتری در این موارد می‌تواند بنویسد. وی با کمک دلارهای آمریکایی، ماشین جنگ‌افروزی رسانه‌ای آمریکایی و غربی، که با سال‌ها تجربه و آنالیزهای خود در مورد جنگ ویتنام و نحوه دروغ‌پردازی به آن کار کشته‌تر گشته‌اند، حمله به عراق با کمک بنگاه متعفن دروغ‌پرداز وزارت خارجه دولت آمریکا، که

## ملاقات با «ماکرون»، تقاضای مداخله نظامی و تجزیه ایران از طرف «مدافعان حقوق زن»!

میهن ما بعد از انقلاب بزرگ بهمن ۵۷، که با هوشیاری و با اتکا به رزمندگی مردمان سخت‌کوش و دلاورش موفق شده است تا حکومت وابسته به امپراطوری سرمایه - از نوع آمریکایی - آنرا به زباله‌دان تاریخ پرتاب کند، بیش از چهل سال است که تحت محاصر نظامی و اقتصادی در شکل خشن‌ترین تحریم‌های ضدبشری، تعرض رسانه‌ای با کمک تلویزیون‌های انگلیسی و سعودی و پروپاگاندا‌ی جاسوسان و کارمندان سیا با نام‌های به ظاهر دهن‌پُرکنی به مانند «خبرنگار» و «مدافعان حقوق بشر» قرار دارد. اما ظاهراً حوصله این جماعت نوک‌رصف به سر آمده و می‌کوشند به هر وسیله‌ای که شده، با تحریک ایران، که در تمام این سال‌ها با هوشیاری از رودرروی مستقیم با ناتو اجتناب کرده، از یک طرف و با قانع کردن دولت‌های جنگ برافروزی اروپایی از طرف دیگر آنها را برای یک حمله، که ظاهراً در «دفاع از مردم» صورت می‌گیرد، آماده سازند. در میان این

منجر به کشته شدن صدها هزار نفر در عراق و نابودی زیرساخت‌های این کشور و باعث بیمارگشتن هزاران کودک عراقی، که بعد از جنگ با معلولیت‌های فراوان به دنیا می‌آمدند، گردید، سعی دارد اینبار جنگ را برای مردم ایران به ارمغان بیاورد.

خانم «علی‌نژاد» باید مطالبی را که پنتاگون برایش می‌نویسد، خوب حفظ کرده و با اعتماد به نفس این مزخرفات را به خورد مطبوعات غرب داده و حقوق‌اش را دریافت کند. وی بر این تصور است که شاید هم دری به تخته خورد و بعد از «انقلاب زنان» در ایران! شغل و آب‌ان‌داری بهتر از آنچه وی اکنون از آن ماموریت دارد، بهرمنند گردد. به همین جهت تصمیم گرفت با عنوان دهن پرکن «انقلاب زنان ایران» و برای به رسمیت شناختن آن به درگاه «امانوئل ماکرون»، رئیس جمهوری فرانسه، برود و برای اینکه ثابت کند که تنها نیست، چند تن از هم‌پالکی‌های خود را و احتمالاً وزیران آینده‌اش برای فردای انقلاب با خود به کاخ الیزه برده است. «امانوئل ماکرون»، رئیس جمهور فرانسه، که با کمک اقتصاد نئولیبرال خود زندگی هزاران زحمت‌کش فرانسوی را به تباهی می‌کشاند و آنها را هر روز فقیرتر می‌نماید؛ شخصی که هفته به هفته جنبش جلیقه زردها را با باتوم و حمله به آنها جواب می‌دهد؛ کسی که با تحمیل هزینه‌های زیاد برای زندگی مجلل‌اش در کاخ الیزه و ساختن استخر گران‌قیمتی در محل مسکونی تابستانی وی خشم فرانسویان را با خود به همراه داشته است، به یکباره مدافع حقوق مردم ایران می‌گردد. انسان واقعا نمی‌داند بخندد و یا گریه کند.

«معصومه علی‌نژاد» به همراه «لادن برومند»، «شیمای بابایی» و «رویا پیریایی» در دیدارش با «مکرون» تقاضای مسخره خود را برای اخراج دیپلمات‌های ایرانی و بستن سفارتخانه‌های ایران تکرار کرد. سفارتخانه‌هایی که در کنار کار دیپلماتیک برای انجام امورات ایرانیان خارج از کشور در داخل ایران به آن احتیاج است. البته اگر این شخص کمی سواد سیاسی می‌داشت، متوجه می‌شد که با این حرف‌اش بیش‌تر حماقت سیاسی خود را به معرض تماشا گذاشته است. «امانوئل ماکرون» هم حتماً پیش خودش فکر کرده که بعد از بستن سفارتخانه‌های ایران می‌باید با «معصومه» خانم تماس داشته باشد و به همین دلیل ترجیح داد تنها از «انقلاب زنان» ایران حمایت و آن را تحسین کرده و برای آنان آرزوی موفقیت کند. وی اما اظهارنظری در مورد دولتمندان آینده نکرد. در واقع این تقاضا تنها برای قطع روابط دیپلماتیک نیست. علاوه بر «معصومه»، «حامد اسماعیلیون» و چندین مواجب‌بگیر دولت‌های غربی هم چندی است که بر طبل جنگ و حمله نظامی به ایران می‌کوبند. آنها که همگی دل و دماغی بعد از شکست مفتضحانه امریکا در افغانستان ندارند و نمی‌توانند روی کمک امریکا حساب کنند، دنبال شرکای دیگر ناتو می‌گردند تا شاید آنها دست‌ها را بالا زده و به کمک این

خارج‌نشینان «انقلابی» آمده و کار جمهوری اسلامی ایران را برای آنها یکسره کنند. کشورهای غربی هم مانند آلمان و فرانسه در این اوضاع و احوال به شدت به گاز و نفت ایران و سرمایه انسانی آن نیاز دارند. برای جلوگیری از نفوذ ایران در منطقه بر سر کار آمدن یک دولت طرفدار دموکراسی! غربی به انبوه زیادی از این مشکلات خاتمه می‌دهد. به همین دلیل دیگر این جماعت جنگ طلب پرده‌ها را دریده و تقاضای مداخله آشکار به ایران را دارد. نتایج حمله به کشور عراق و «صدام حسین»، به افغانستان و «طالبان»، به لیبی و «قذافی» و به سوریه و «بشار اسد» همگی «دیکتاتور» امروز دنیا بر همگان واضح است. پیشرفت و سازندگی در تمامی این کشورها دیگر در دستور کارشان نیست. آنها می‌بایست اول خسارت‌های ناشی از این جنگ‌های تحمیلی را جبران کنند. جنگ تحمیلی، که می‌تواند با کمک گُردهای طرفدار اسرائیل در عراق و با کمک جدایی‌طلبان گُرد در ایران، آذربایجان مورد حمایت ترکیه، که عضو ناتو می‌باشد و تحریک گروه‌های تجزیه طلب در خوزستان و بلوچستان بر علیه ایران صورت گیرد. در داخل هم بوسیله اخبار جعلی خبرنگاران روزنامه‌های اصلاح‌طلبان زمینه این کار چیده می‌شود و در خارج از کشور با بسیج ایرانیان به دور شعار «همه باهم» و پوپولیستی و بی‌محتوای «زن زندگی آزادی» برای سرنگونی رژیم و اینکه حکومت ملاها باید برود، سعی دارند افکار عمومی این کشورها را برای تجزیه و جنگ داخلی و ویرانی ایران آماده سازند تا دیگر هیچ جنبش مدافع صلحی به خود اجازه دهد بر علیه این جنگ‌افروزی به خیابان بیاید. در کشور آلمان روزی نیست که در مورد زنان ستم‌دیده! ایران اظهارنظری نشود.

در اخبار تلویزیون، در روزنامه‌ها، در اخبار ورزشی، در شوهای سیاسی و انتقادی و «فمینیستی»، همه و همه و احتمالاً در کل اروپا برای «انقلاب زنان» در ایران حاضرند ویرانی ایران را به جان بخزند. تنها مشکل اما ظاهراً زنان ایران در داخل کشورند که نیمی از آنها محجبه‌اند و برای پیشرفت و سربلندی ایران بدون تبعیض و آزاد پای ایران ایستاده و نیمی دیگر که با پافشاری به حق برای پایان دادن به مصوبه پوشش اجباری و ده‌ها قوانین ارتجاعی دیگر، که با نقش زن و موقعیت امروزی او همخوانی ندارد، می‌رزمند و از هیچ فداکاری برای تحقق مطالبات خود دریغ نخواهند کرد. زنان ایران آگاه‌اند و می‌دانند که تنها در یک ایران مستقل و آزاد و با کمک مردان سخت‌کوش می‌توان جامعه‌ای بر اساس عدالت اجتماعی ساخت که در آن تبعیض و سرکوب‌جایی نخواهد داشت. زنان ایران، که با تودهنی به «فرح دیبا»ها و برندگان جایزه‌های صلح و دل‌نکان خوش‌رقص محافظ سرمایه نشان داده‌اند، رهایی که آنها در پی آن هستند، از بیخ و بُن با مفهوم «آزادی»، زنان خود فروخته و جاه‌طلب متفاوت است. \*



## تجاوز به حقوق زنان در هر شکل محکوم است

بوگی از تاریخ

خیابان ولی عصر تهران، ۱۰ آبان ۱۳۵۸

عکاس: «مریم زندی»

راهپیمایی فعالان حقوق زنان و بدنه زنان سازمان‌های سیاسی چپ در اعتراض به قانون تعدد زوجات و حق طلاق یک جانبه

راست کرده و به‌پاخاسته بود تا همراه خلق‌های ستم‌دیده ایران حق‌اش را بستاند، حجاب اجباری بود و وقتی با مقاومت زنان آزادی‌خواه ایران روبرو شدید، جواب‌تان چماق بود. در بهار آزادی برای اولین بار چماق بر سر زن ایرانی فرود آمد و آنگاه عمومیت یافت. حقا که سالی که نکوست از بهارش پیداست. پس از آن هر روز قدمی در راه به بند کشیدن زن ایرانی برداشتید.

ورزش بانوان ممنوع، گویندگی بانوان در تلویزیون قطب‌زاده ممنوع، قضاوت بانوان ممنوع، زنان را به جرم زن بودن از خیلی از ادارات و کارخانه‌ها و غیره بیرون کردید، مهد کودک‌ها را بستید تا مادران نتوانند در خارج از خانه به کار به‌پردازند و گفتید زن همان برای پای منقل و دیزی و طشت رخت‌شویی خلق شده، دبیرستان‌های مختلط را جدا کرده‌اید و به جایشان دبیرستان‌های پسرانه ایجاد کردید، هنرستان‌های حرفه‌ای دختران را تعطیل کردید و در واقع حق تحصیل را هم می‌خواهید از زن سلب نمائید. این دسته گل آخرتان هم واقعا گل سر سبد حق‌کشی و ستم است و نمایانگر ماهیت عقب‌گرا و ارتجاعی شماس است.

محمد رضا شاه جلاد، محمد رضا شاه خائن نیز باد در غبغب می‌انداخت و می‌گفت که او به زن ایرانی آزادی اعطا کرده است. ولی اکثریت زنان ایران در پنجه‌های فقر و بی‌سوادی و محرومیت از حقوق اولیه انسانی اسیر بودند و همواره تحقیر می‌شدند. شاه مخلوع هم وعده وزارت و وکالت و حتی بهشت می‌داد، ولی اگر واقعا حق می‌خواستی جواب او، هم چون شما، چماق و گلوله و زندان و شکنجه و اعدام بود. بدانید که سرنوشت شما هم بهتر از سرنوشت محمد رضا شاه نخواهد بود.\*

در این تظاهرات اتحادیه انقلابی زنان ایران (سپیده سرخ) فعالان شرکت داشته، با محکوم کردن این قانون و سایر قوانین ارتجاعی و زن ستیز اسلامی، پرچم برابری حقوق زن و مرد را برافراشت و اقدامات سرکوب‌گرانه و ضد دمکراتیک غاصبان انقلاب را مغایر اهداف انقلاب بهمن ۵۷ و به نفع امپریالیسم تحلیل کرد. این اتحادیه دمکراتیک و انقلابی تحت رهبری حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران (توفان) قرار داشت که پس از سرکوب خونین سال ۶۰ و دستگیری بسیاری از اعضا و رهبران آن و فضای اختناق آن زمان همچون سایر تشکلات دمکراتیک و سیاسی از هم پاشید. علی‌رغم این اما تعدادی از نشریات، اعلامیه‌های این اتحادیه در آرشیو موجودند و خدمات‌اش به مردم زحمتکش و بویژه نقش انکارناپذیر آن در ارتقاء سطح آگاهی زنان در تاریخ مبارزه زنان ایران ثبت شده است.

در نشریه «سپیده سرخ» سال اول شماره ۱۰ در مهرماه ۱۳۵۸ در مورحجاب اجباری و تعرض به حقوق زنان و در افشای رژیم جمهوری اسلامی چنین آمد:

«... اولین ره‌آورد شما برای زن ایرانی که سال‌ها در فقر و محرومیت زندگی کرده بود و سرانجام از زیر بار ستم قد

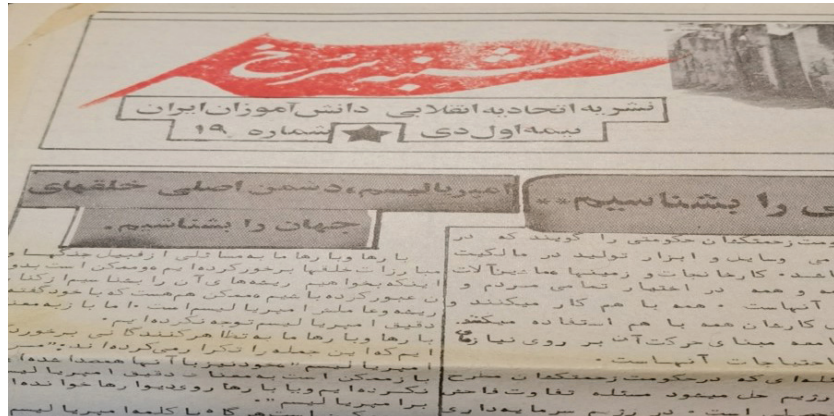


از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

جهت تهیه این اثر با ما تماس حاصل فرمائید

روز تاریخی را مصادره کند. «شنبه سرخ» پس از پیروزی انقلاب بهمن بنام نشریه سراسری اتحادیه انقلابی دانش آموزان ایران ثبت گردید که نقش موثری در مبارزه علیه رژیم اسلامی و ارتقا سطح آگاهی دانش آموزان ایفا کرد و در همین رابطه شماری از اعضا و رهبران این اتحادیه توسط رژیم تبهکار جمهوری اسلامی تیرباران شدند. اکنون در چهل و چهارمین سالگرد شنبه سرخ روز ۱۳ آبان، کودکان هنرمند کار، برای سکه‌ای ناچیز تلخ می‌خوانند و بسیاری از آنها از تحصیل محروم‌اند. یکی از عاجل‌ترین نیاز کودکان ایران آموزش و پرورش رایگان و لغو کار برای کودکان قبل از رسیدن به سن قانونی و احترام به قانون حمایت از کودکان و توافقنامه بین‌المللی است. لیکن گوش رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به این قوانین بدهکار نیست و خشن‌ترین سیاست‌ها را نسبت به کودکان ایران روا می‌دارد.

**دوم:** به مناسبت ۱۳ آبان، روز دانش آموز، نشریه دانش آموزی به نام «شنبه سرخ» نام نشریه اتحادیه دانش آموزان ایران چند ماه پس از بهار آزادی و در فضای انقلابی تاسیس گردید، به سرعت رشد کرد و در دفاع از آزادی و دست‌آوردهای انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷ و آگاهی بخشیدن به دانش آموزان نقش ارزنده‌ای ایفا نمود. نشریه شنبه سرخ بطور مرتب انتشار می‌یافت و در قلوب بسیاری از دانش آموزان جای گرفته بود و هر روز بر تیراژش افزوده می‌شد. روزی نبود که اتحادیه دانش آموزان - شنبه سرخ مورد هجوم وحشیانه تاریک‌اندیشان و چماق‌داران حزب‌اللهی قرار نگیرد. بارها اعضای اتحادیه شنبه سرخ بخاطر فعالیت خستگی‌ناپذیر و آگاهی‌بخش و افشاگرانه‌شان از مدارس اخراج و مورد آزار و اذیت و سرکوب قرار گرفتند. بعد از کودتای ۳۰ خرداد ۶۰ فرمان سلاخی انقلابیون و ریشه‌کن کردن انقلاب توسط رهبر جمهوری اسلامی، خمینی جلاد و اصلاح‌طلبان رنگارنگ کنونی آغاز شد و اعدام‌های جنون‌آمیز جوانان، شکنجه و تجاوز به دختران با کره قبل از تیرباران و سرکوب و وحشیانه خانواده‌های داغدار شرط بقای رژیم کثیف و ضدبشری نظام اسلامی گردید. در این بین اعضای شنبه سرخ نیز از زیر تیغ سلاخی رژیم اسلامی گذشتند و ده‌ها تن از یاران و نونهالان این اتحادیه به جوخه اعدام سپرده شدند. رفقا «نبی مفیدی» ۱۴ ساله، «مهدی شیرخدا»، «داریوش اسفراینی»، «مسعود نائیان»، «داریوش انصاری» و ده‌ها دانش آموز پُر امید دیگر اعضای اتحادیه شنبه سرخ یا به زندان افتادند و یا بلافاصله در سال‌های ۶۰ تا ۶۳ تیرباران شدند. رفیق «داریوش فاضلی» یکی از اعضای رهبری اتحادیه دانش آموزان شنبه سرخ و مسئول کل تشکیلات مازندران بود که به جرم وفاداری به آرمان کمونیستی و دفاع از کارگران و زحمتکشانش در مهرماه ۱۳۶۲ تیرباران شد. ما یاد و خاطره رفیق «داریوش فاضلی» و ده‌ها تن از اعضای جان‌باخته شنبه سرخ و هزاران جوان و نوجوان دانش آموز مبارز و انقلابی را که توسط رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی تیرباران شدند، گرامی می‌داریم و ایمان داریم که روزی مردم شریف ایران انتقام خون این جوانان را با سرنگونی رژیم، محاکمه و مجازات عاملان و آمران این کشتار بی‌رحمانه خواهد گرفت و جز این نیز نخواهد شد. \*



## سیزده آبان معروف به شنبه سرخ؛ روز دانش آموز گرامی باد!

برگی از تاریخ

نشریه شنبه سرخ شماره ۱۹ آبان ۱۳۵۸

**یکم:** ۱۳ آبان، روز دانش آموز است، یادآور حماسه خونین هزاران دانش آموزی است که در ۱۳۵۷ به حمایت از اعتصاب آموزگاران، به حمایت از اعتصاب هزاران نفر از کارگران نفت خوزستان، کارگران و کارمندان شرکت ملی گاز ایران، اعتصاب کارگران و کارمندان دخانیات، اعتصاب کادریزشکی بیمارستان‌ها، اعتصاب کارکنان آب تهران و به حمایت و همبستگی از تظاهرات پُر شکوه مردم در سراسر ایران یکپارچه به میدان آمدند و با پیوستن به دانشجویان انقلابی در مقابل دانشگاه تهران با نیروی گارد شاهنشاهی رژیم منفور پهلوی قهرمانانه دست به نبرد زدند. در اثر یورش و وحشیانه نیروی سرکوب‌گر، ده‌ها تن از دانش آموزان به خون درغلطیدند. در این روز تاریخی، جوانان انقلابی میهن ما با توده‌های رنج و کار پیمان خونین خویش را هر چه مستحکم‌تر ساختند. فریاد رسای جوانان، که توفید:

«دانشگاه سنگر آزادی است نه لانه جاسوسان»، رژیم سرسپرده شاه را به لرزه درآورد. پی‌آمد «حماسه شنبه سرخ» جوانان انقلابی مجسمه شاه را در صحن دانشگاه تهران به خاک کشیدند. شعله‌های خشم توده‌های ستم‌دیده جوانان از فراز دانشگاه هر چه مشتعل‌تر به آسمان زیبانه کشید. عکس درباریان طعمه آتش گشت و شور انقلابی به اوج رسید. تا سرانجام برغم تمامی توطئه‌ها، سرنیزه‌ها، حبس و شکنجه و اعدام مخالفین و مبارزین انقلابی و کمونیست، شاه با تاج و تخت فرسوده سلطنت به مزبله تاریخ راهی گشت. با روی کار آمدن رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، ۱۳ آبان، «حماسه شنبه سرخ»، به «حماسه مبارزه علیه استکبار جهانی»، روز دانشجویان خط امام، روز تسخیر سفارت آمریکا و روز تبعید خمینی بت شکن به «ترکیه»، تبدیل گشت!

اما رژیم به رغم تمام ریاکاری‌ها و تبلیغات دروغین موفق نشد این



## به مناسبت صد و پنجمین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر

برگی از تاریخ

در چنین روزی، ۷ نوامبر ۱۹۱۷، انقلاب اکتبر سوسیالیستی در روسیه آغاز شد. در این روز کمیته‌های اعتصابی، که بعدها «شورا» نام گرفتند، توانستند تحت رهبری حزب بلشویک با شعار «همه قدرت به شوراهای» قدرت سیاسی را از دولت موقت بگیرند.

**ویژگی‌های این انقلاب، پیروزی و سپس سربر آوردن ضد انقلاب احیای سرمایه‌داری:**

**یکم:** انقلاب شکوهمند اکتبر شوروی، جهان سرمایه و تمامی نظم کهن را لرزاند و به وحشت مرگ انداخت. پیروزی‌های حزب بلشویک، تحت رهبری لنین و حکومت جوان شوروی، منظره بین‌المللی را دگرگون ساخت. امید امپریالیسم به پیروزی ضدانقلابیون داخلی برآورده نشد. لشکرکشی چهارده دولت امپریالیستی و سرمایه‌داری علیه جمهوری جوان و بنیان‌کن شوروی، بی‌نتیجه ماند. ارتش‌های متجاوز خارجی در جنگ با نیروی انقلابی ارتش سرخ، یکی پس از دیگری شکست می‌خورند و این شکست‌ها آنها را به جنون وامیداشت. برای مبارزه با نخستین کشور سوسیالیستی نقشه‌های طولانی و توسل به هر سلاح مرگ‌باری لازم می‌آمد. اما به‌رغم تمام این توطئه‌های امپریالیستی و جنون‌آمیز موفق به برانداختن حکومت

شوروی نگشتند و دیکتاتوری پرولتاریا و ساختمان پیروزمند سوسیالیسم به مدت سی سال به عظیم‌ترین دست‌آوردهای بشری نائل آمد.

در صد و پنجم سال پیش نظم نوینی در جهان پدید آمد. نظمی که از نظر اقتصادی به استعمار انسان از انسان پایان می‌داد و از نظر سیاسی طبقاتی را به قدرت می‌رسانید، که مورد بهره‌کشی قرار گرفته و در زمره ستم‌کشان بودند. در صد و پنجم سال پیش تاریخ به مرتجعین، که زندگی در تجملات خویش را از بدیهیات می‌دانستند، فرمان ایست داد و به زحمت‌کشان اعلام کرد، توقف ممنوع! دیگر نمی‌شود به سبک و سیاق سابق مردم را به اسارت درآورد، مالکیت خصوصی را تقدیس کرد و با جنگ‌های خانمان‌سوز میلیون انسان را آواره و بیچاره نمود. در صد و پنجم سال پیش بلشویک‌ها در روسیه قدرت سیاسی را به کف آوردند و تنها به این اعتبار که قدرت سیاسی اساس هر انقلاب و تحولی است؛ انقلابی که در روسیه صورت گرفت، یک انقلاب سوسیالیستی بود.

قبل از پیروزی انقلاب سوسیالیستی در روسیه، عده‌ای که خود را «مارکسیست» جا زده بودند و تفسیری غیرانقلابی و غیرطبقاتی از مارکسیسم ارائه می‌دادند، بر این نظر بودند که باید از طریق پارلمانی قدرت سیاسی را به کف آورد و به نظم پارلمانتاریسم بورژوائی گردن نهاد. آنها با استقرار دیکتاتوری پرولتاریا به عنوان شرط هر تحول سوسیالیستی در کشور مخالف بودند و از این نظریه مارکس و انگلس دفاع نمی‌کردند. آنها مارکسیسمی می‌خواستند که به دهان بورژوازی مزه بدهد. لنین، مارکسیسم را با شرایط زمان خود انطباق داد و برای نخستین بار در مقابل چشمان حیرت‌زده جهانیان نشان داد

## «عاشقان بقای وطن»

وطن ای واژه شوریده بر جان  
ایا ای محرم اسرار پنهان  
وطن ای لاله زار غرقه در خون  
ایا ای سرزمین شعر و عرفان

دلَم در پیش تُست ای دشت پُر راز  
وطن ای رود پُر مهر سرافراز  
درون ات شعله عُصیان و قهر است  
ز جهل دین فروشان پُر از آز

گسست آن پرچم «پندار» نیکات  
شکست آن لوحه‌ی «گفتار» نیکات  
چرا رفتی به گمراهی در این دهر  
چه شد آن گلشن «کردار» نیکات

از آن ترسم که خون‌ات بار دیگر  
به دست سارقین خفته بر در  
بریزد بر سرای آرزوها  
تلاشات ره برد بر شام دیگر

از آن ترسم که آتش بر فروزد  
میان شعله آمالات بسوزد  
چو می دانم که باز آن دزد طرار  
طمع بر هستی و جان‌ات بدوزد

تو دانی که در اشک غارتگران  
ز مهر و محبت نباشد نشان  
پس پرده‌های «حقوق بشر»  
نهان گشته امیال ناپاکشان

بیا با خرد راه خود پیشه کن  
به علم و به حکمت تو اندیشه کن  
به نجوای بیگانگان تن مده  
به نیروی خود تیشه بر ریشه کن

وطن ما همه در نوای تو ایم  
به جان و به دل در سرای تو ایم  
«چو ایران نباشد تن من مباد»  
که ما عاشقان بقای تو ایم

که پابرهنگان، بی چیزان، ستم‌کشان، انسان‌هائی که هرگز به حساب نمی‌آمدند، هیچ‌بودگان به یکبار همه چیز شده‌اند. مکتبی در جهان به پیروزی رسیده است که انسانیت را بر اساس پول و سرمایه و تملک، محک نمی‌زند.

انقلاب اکتبر می‌آموزد که «لنینسم» چیزی جز تفسیر انقلابی و تحول مارکسیسم در عصر زوال امپریالیسم نیست. لنینسم ایده‌های اساسی مارکسیسم را، که دشمنان وی آنرا تحریف می‌کردند و به طاق نسیان می‌سپردند، از منجلاب اپورتونیزم و سازش طبقاتی بیرون کشید، آنرا جلا داد و به همه نشان داد که مارکسیست‌های واقعی چه کسانی هستند. این است نقش تاریخی انقلاب دوران‌ساز و کبیر اکتبر..

**دوم:** دشمنان انقلاب، که نتوانستند در مقابل قدرت انقلاب مقاومت کنند، بعد از آن به تحریف دست‌آوردهای انقلاب پرداخته و سعی کردند آن را بی‌اعتبار کنند. مبارزه خروش‌چف با «کیش شخصیت استالین» و دروغ‌های وی در مورد بنیان‌گذار ساختمان سوسیالیسم در شوروی، در حقیقت به زیر پرسش بردن جامعه سوسیالیستی و تفسیر لنینی از ساختمان سوسیالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا بود. استالین، فرد نبود، مظهر دیکتاتوری پرولتاریا و معمار ساختمان سوسیالیسم در طی سی سال بود. استالین بود که قوانین اقتصاد سوسیالیستی را در شوروی با توجه به تجربه دیکتاتوری پرولتاریا، تدوین کرد و تحت عنوان «مسایل اقتصاد سوسیالیستی» منتشر نمود. حمله به استالین، حمله به سوسیالیسم، حمله به انقلاب اکتبر، حمله به مارکسیسم - لنینسم بود و هست. این است که رویزیونیست‌ها، که در هم‌دستی با خروش‌چف، لنینسم را به دورافکندند و شمشیر خویش را برای «زدودن کیش شخصیت استالین» از غلاف بیرون کشیدند، مشروعیت آن را ندارند که از انقلاب اکتبر دفاع کنند. دفاع رویزیونیست‌ها از انقلاب اکتبر، صرفاً جنبه ظاهری و برای خاک‌پاشیدن به چشم خوردگان است. بدون برخورد به دست‌آوردهای سی ساله دوران دیکتاتوری پرولتاریا در روسیه، بدون برخورد به جریان‌های ضدانقلابی تروتسکیستی و زنیویفستی و بوخارینیستی، بدون برخورد به نظریات ضدانقلابی خروش‌چف و اصلاحات اقتصادی کاسیگین و برژنف ادعا در مورد حمایت از انقلاب اکتبر و تجلیل از آن حرف پوچی است. تجلیل از انقلاب اکتبر آموزش از دست‌آوردهای آن و علل شکست آن و بسیج کمونیست‌ها برای مبارزه با رویزیونیست‌های آشکار و پنهان است. بدون این مبارزه ضد رویزیونیستی تجلیل از انقلاب اکتبر عبارت‌پردازی بی‌محتوی برای رفع تکلیف است.

زنده باد صدوپنجمین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر!\*

داور

۲۰۲۲-۱۱-۱۲\*



آمریکا با جامعه جهانی در پاسخگو دانستن جمهوری اسلامی خبر داد و نوشت: امروز آمریکا به ۵۳ کشوری ملحق شد که ایران را به انجام تحقیقات سریع، کامل، بی طرفانه و شفاف در مورد مرگ «مهسا امینی» دعوت کردند. جامعه بین‌المللی نباید تصاویر خشونت نیروهای امنیتی علیه معترضان مسالمت‌آمیز را نادیده بگیرد. آمریکا در کنار مردم ایران ایستاده است. حمایت امپریالیسم آمریکا از مبارزه مردم ایران و سرمایه‌گذاری چند میلیارد دلاری رسانه‌های فارسی زبان شستشوی مغزی بسوی ایران نه برای رهایی زن از قید ستم و استثمار، نه برای تحقق حقوق بشر و رفع نیازهای اولیه زندگی در چهارچوب یک ایران دموکراتیک و مستقل بلکه برای انقیاد مجدد ایران و احیای سلطه گذشته و تبدیل میهن ما به پایگاه نظامی خود برای حفظ سرکردگی در منطقه و مقابله با رقبایی چون روسیه و چین و ممانعت از شکل‌گیری جاده ابریشم و ادامه سلطه دلار در جهان است. اگر جنبش اعتراضی و دموکراتیک ایران چه در داخل یا خارج نخواهد علیه تحریم و مداخله آمریکا و سیاست‌های گزینشی و ریاکارانه‌اش موضع بگیرد، به آلت دست امپریالیسم بدل خواهد شد. هدف از سرنوشتی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی باید روشن باشد، بدیل‌اش باید سالم و ملی باشد، برنامه‌اش باید دموکراتیک و استقلال‌طلبانه باشد. در غیر اینصورت پیش‌روی نمی‌ارزد. باید هوشیار بود و از دنباله از شعارهای پوپولیستی و «همه با هم» پرهیز نمود. امپریالیسم آمریکا و متحدینش امروز کمین کردند تا از آب گل آلود برای مقاصد شوم‌شان ماهی بگیرند.

در شرایطی که خیزش مردم فاقد هرگونه بدیل انقلابی و مرفی باشد، سرنوشتی رژیم و جایگزینی آن با رژیم سرمایه‌داری و سرکوبگر دیگر و مطیع اوامر امپریالیسم آمریکا به نفع جنبش اعتراضی مردم نخواهد بود. در ثانی در شرایط خلاء سیاسی و فقدان یک بدیل انقلابی بروز جنگ داخلی و تجزیه ایران نیز منتفی نیست. \*



## دفاع ما از مبارزه مردم و «دفاع آنها از مبارزه مردم»

وزرای امور خارجه آمریکا و کانادا با محکوم کردن جانباختن «مهسا امینی» و اعتراضات مردم ایران، در کنفرانس خبری واشنگتن گفتند که اقدامات بیش‌تری علیه مقامات ایران به اجرا خواهند گذاشت. «آنتونی بلینکن» در این کنفرانس خبری مشترک در واشنگتن گفت که دولت آمریکا علاوه بر اعمال تحریم بر مقامات تهران، مساله نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی را در مجامع بین‌المللی پیگیری می‌کند. او افزود: «ما همچنان به دنبال راه‌هایی برای حمایت از کسانی هستیم که در ایران به ابراز عقیده به صورت مسالمت‌آمیز می‌پردازند و همچنین به دنبال اقدامات علیه افرادی هستیم که مسئول سرکوب‌گرانه‌ترین نقض حقوق بشر هستند».

وزیر امور خارجه کانادا هم در این کنفرانس خبری، با اشاره به اقدام اتاوا در تحریم فرماندهان پلیس و گشت ارشاد، و پیگیری پاسخگو کردن ایران در سرنوشتی پرواز پی اس ۷۵۲ گفت: «دولت جاستین ترودو به دنبال محکومیت تهران در مجمع عمومی سازمان ملل است».

«ملانی جولی» افزود: «باید بگویم که گزینه‌های بسیاری روی میز است و ما کارهای زیادی انجام داده‌ایم، اما باید کارهای بیش‌تری انجام دهیم و خواهیم داد». او تصریح کرد: «کانادا قطعنامه‌ای را به مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیشنهاد داده که تضمین‌کننده محکومیت گسترده نقض حقوق بشر در ایران است». همچنین «میشل تیلور»، نماینده آمریکا در شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، در توییتری از همراهی

بی‌حزبی کارگران، شعاری انحرافی است!



## پیروزی «لولا» در برزیل پیروزی دمکراسی بر فاشیسم است

یک سال و نیم زندان «لولا» با حکم یک قاضی دادگاه عالی فدرال برزیل در مارس ۲۰۲۱ آزاد شد.

شعارهای اصلی انتخاباتی «لولا» کمک به فقرا و فرودستان جامعه در بودجه کشور، افزایش پرداخت‌ها به خانواده‌های فقیر، افزایش سالانه حقوق‌های اقشار مزدبگیر و کارگر بالاتر از نرخ تورم و تجدیدنظر در قوانین مالیاتی به نفع جمعیت کم‌درآمد و همچنین مشوق‌های اشتغال بودند.

«لولا» همچنین «بولسونارو» را به بخاطر سیاست ضدانسانی‌اش در مورد برخورد به نحوه پیشگیری کرونا، که منجر به مرگ نزدیک به هفت صد هزار برزیلی شد، به نسل‌کشی متهم کرد. او گفت «انتخاب بولسونارو حاصل دروغ و صحنه‌سازی است. در هیچ کارزاری به اندازه کارزار او این همه اخبار جعلی در کار نبود، «بولسونارو» حتی در یک مناظره شرکت نکرد. به نظر من، مردم اشتباه کردند که به «بولسونارو» رأی دادند، اما اینها جزء ریسک‌های دمکراسی و فرآیند انتخابات است. حالا قطب‌های سیاسی در برزیل تغییر کرده، یعنی قطب‌ها دیگر دو جناح چپ و راست نیست، بلکه فاشیسم و دموکراسی است».

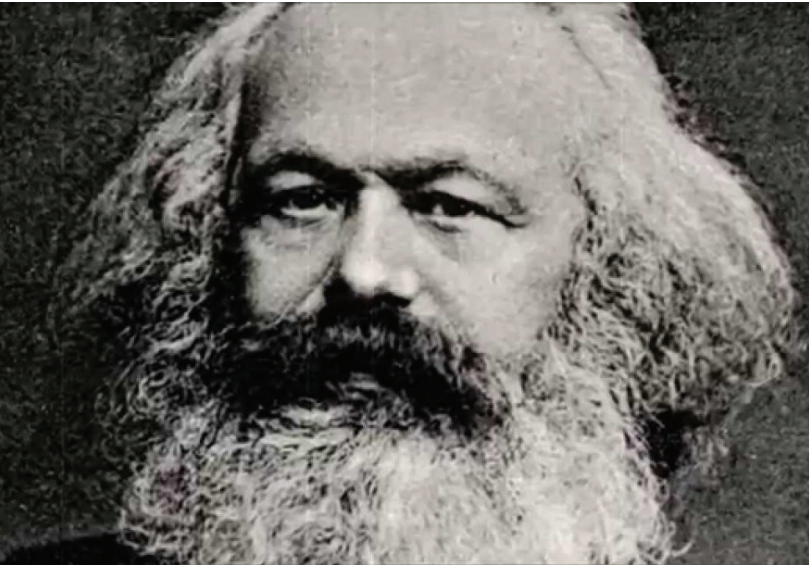
«لولا» در سخنرانی خود در جشن پیروزی انتخاباتی خود گفت: «مردم برزیل امروز نشان دادند که آنها خواهان مطالبات بیش‌تری از حق استفاده از رأی‌گیری برای انتخاب کسی که زندگی آنها را اداره کند، دارند. آنها خواهان شرکت فعال در تصمیم‌گیری‌های دولت هستند. مردم برزیل امروز نشان دادند که خواهان حقی بیش از اعتراض به گرسنگی خود هستند. شغلی در کشور وجود ندارد، حقوق‌شان برای زندگی با عزت کافی نیست، دسترسی به بهداشت و آموزش ندارند، سقفی برای زندگی و بزرگ کردن فرزندان‌شان در امنیت ندارند، هیچ چشم‌انداز امیدبخشی برای آینده وجود ندارد.

حزب برادر ما، حزب کمونیست انقلابی برزیل، در بیانیه‌ای که در نشریه خود انتشار داده است، چنین آورده است: «ما شادی بی حد خود را برای شکست دولت گرسنگی،

روز یکشنبه ۳۰ اکتبر، بیش از ۱۲۴ میلیون رأی‌دهنده برای دور دوم انتخابات ریاست جمهوری برزیل به پای صندوق‌های رأی رفتند. «لولا داسیلوا» از حزب کارگران برزیل با بیش از ۶۰ میلیون رأی به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد و سومین دوره ریاست جمهوری خود را از اول ژانویه ۲۰۲۳ شروع خواهد کرد. این بزرگ‌ترین رأی برای یک نامزد ریاست جمهوری در تاریخ برزیل است و اولین بار است که رئیس جمهوری در برزیل (ژائیر بولسونارو) فقط یکبار انتخاب شده است. در دور اول انتخابات که در ۲ اکتبر برگزار شد، هیچ از دور قریب انتخاباتی، «لولا» و «بولسونارو»، نتوانستند بیش از ۵۰٪ آرا را بخود اختصاص دهند و انتخابات به دور دوم موکول شد. «لولا» در دور دوم با اخذ ۵۰،۹۰٪ آرا «بولسونارو» را با ۴۹،۱۰٪ شکست داد.

در طول مبارزات انتخاباتی بویژه در دور دوم در روز ۳۰ اکتبر، «بولسونارو» سعی کرد با ایجاد راه‌بندان در بزرگراه‌ها از ورود هواداران «لولا» به مراکز رأی‌گیری ممانعت کند. پس از شکست انتخاباتی «بولسونارو»، هواداران او از ارتش برزیل خواستند که بر علیه «لولا» کودتا کنند.

«لولا داسیلوا»، چپ‌گرائی از حزب کارگران برزیل، است که برای سومین بار به ریاست جمهوری انتخاب می‌شود. او نیز در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶ برنده انتخابات رئیس جمهوری بود. پس از برکناری «دولما روسف» از ریاست جمهوری برزیل، پرونده‌ای قطور با اتهامات پولشویی و فساد اقتصادی و رشوه از یک شرکت نفتی بر علیه «لولا» تشکیل شد و وزیر دادگستری «بولسونارو» او را به بیش از ۸ سال زندان محکوم کرد. پس از



## ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده

بنابر درخواست مکرر خوانندگان محترم «توفان الکترونیکی» بر آن شدیم تا مفاهیم و مبانی فلسفه مارکسیسم را با زبانی ساده و قابل فهم برای عموم توضیح بدهیم. از اینرو هیأت تحریره نشریه «توفان الکترونیکی» ستونی برای این امر اختصاص می‌دهد، تحت عنوان «ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده». با امید به اینکه بتوانیم از این طریق به نیاز خوانندگان این نشریه پاسخ داده باشیم.

### قانونمندی تکامل جامعه

قوانین تکامل جامعه مانند قوانین علوم طبیعی مبین رابطه ضروری و پایدار میان پدیده‌ها و پروسه‌های اجتماعی است. قانون اجتماعی مانند هر قانون علمی دیگر انعکاس‌دهنده آن رابطه میان پدیده‌ها و پروسه‌های اجتماعی است که اولاً از ماهیت پدیده برمی‌خیزد ثانیاً عمومیت دارد، ثالثاً ضرور و ناگزیر است، رابعاً پایدار است بدین معنی که هرگاه شرایط عینی بروز آن فراهم آید، تکرار می‌شود. قانون اجتماعی وابستگی درونی، ماهوی و ضروری پدیده‌های اجتماعی و تکرار آنها را نشان می‌دهد.

برای مثال قانون مبارزه طبقاتی را در جامعه سرمایه‌داری در نظر می‌گیریم. در این جامعه وجود طبقات آنتاگونیست پرولتاریا و بورژوازی پدیده‌ای تصادفی نیست، زیرا در هر کشوری که

فلاکت، بیکاری، فساد ابراز می‌کنیم. پیروزی «لولا» یک پیروزی برای مردم برزیل، برای مبارزات مردمی، علیه فاشیسم است. ما به همه کسانی که بر علیه «بولسونارو»، در اعتصاب‌ها، در اشغال‌ها در خیابان‌ها حضور داشتند، چیزی که در زمان یک دولت نسل‌کش هم ادامه داشت، درود می‌فرستیم. مردم در تظاهرات خیابانی توانستند کودتاهای فاشیست‌های حکومتی را شکست بدهند. باید توطئه بزرگ خرید آرای توسط دولت و پایگاه پارلمانی آن را از طریق به اصطلاح «بودجه مخفی»، بیاد آورد. باید به این نکته توجه کرد که «بولسونارو» تا ۳۱ دسامبر همچنان رئیس‌جمهور است و لازم است که ما سازمان‌یافته به فعالیت خود ادامه دهیم، زیرا مبارزه طبقاتی همچنان ادامه دارد. ما باید کل این جنبش بزرگ را، که بر فاشیسم یک شکست انتخاباتی تحمیل کرده است، به یک جنبش بزرگ مردمی، ضد فاشیست تبدیل کنیم».

پیروزی «لولا داسیلوا» برای رهبران آمریکای لاتین از چنان اهمیتی برخوردار است که موج ارسال پیام‌های تبریک سیاستمداران سرشناس و روسای جمهوری کلمبیا، بولیوی، مکزیک، آرژانتین، نیکاراگوئه، هندوراس، شیلی، پرو، جمهوری دومینیکن، پاناما، اوروگوئه، اکوادور، کوبا، ونزوئلا، «اوو مورالس» رئیس‌جمهوری سابق بولیوی و «کریستینا کراشر» رئیس‌جمهوری سابق آرژانتین، «رافائل کوره‌آ» رئیس‌جمهوری سابق اکوادور، «ساجا یورنتی» دبیر کل اتحادیه آلبا، «سانتیاگو کافیرو» وزیر امور خارجه آرژانتین به «لولا داسیلوا» و مردم برزیل، گرمابخش مبارزه مردم علیه فاشیسم و سیاست‌های نئولیبرالیستی در این کشور است.

استقرار دوباره دولت‌های مترقی و مستقل، از حاکم شدن معادلات و سیاست‌های جدیدی در منطقه آمریکای لاتین خبر می‌دهد که به احتمال زیاد در تنظیم مجدد سیاست خارجی امپریالیسم آمریکا در قبال این منطقه، که همواره به «حیات خلوت» آمریکا شهره بوده است، تأثیرگذار خواهد بود. رصد تحولات اخیر آمریکای لاتین، تحلیل گفتمان اظهارنظرهای «آندرس مانوئل لویز اوبرادور» رئیس‌جمهوری مکزیک در قبال جنگ اوکراین و همسو نشدن این کشور با تحریم‌های غرب علیه روسیه، انتقادهای تند «آلبرتو فرناندز» رئیس‌جمهوری آرژانتین از اقدام آمریکا در خط زدن خودسرانه کوبا، نیکاراگوئه و ونزوئلا از اجلاس اخیر سران قاره آمریکا، تحریم حضور در این نشست توسط «سیومارا کاسترو» رئیس‌جمهوری هندوراس، تور ۱۱ روزه «نیکلاس مادورو» رئیس‌جمهوری ونزوئلا به کشورهای اوراسیایی و آفریقایی به نشانه شکست تحریم‌ها و موفقیت این کشور در خروج از پيله تحمیلی انزوا و همچنین تصمیم «دانیل اورتگا» رئیس‌جمهوری نیکاراگوئه برای استقرار نظامیان روسیه در خاک این کشور کارائیب بدون توجه به تهدیدهای آمریکا، نمونه‌های روشن از حقایقی است که جهان به سوی نظم چند قطبی در حال پیشروی است و شکست ابر قدرت آمریکا در این مسیر تاریخی محتوم است.\*

سرمایه‌داری و در آن کشورهایی که این ساخت برقرار است، عمل می‌کنند، قوانین عام، شرایط زمانی و مکانی دامنه‌داری را در برمی‌گیرند. عام‌ترین قوانین همانا قوانین ماتریالیسم دیالکتیک است که بر سراسر دنیای مادی اعم از طبیعت یا اجتماع حاکم‌اند. از اینجا روشن است که وجود قوانین خاص به هیچ‌وجه عمل قوانین عام را نفی نمی‌کند. در هیچ جا و هیچ زمینه‌ای نمی‌توان قوانین عام را از قوانین خاص منفک و مجزا دانست.

شناخت قوانین تکامل جامعه به انسان امکان می‌دهد که جهت حرکت جامعه را از پیش ببیند و بر تکامل جامعه به طور ثمربخش تاثیر بگذارد. نیروی احزاب مارکسیست - لنینیست درست در این است که در فعالیت خود بر قوانین تکامل اجتماعی، بر شناخت این قوانین و استفاده آگاهانه از آنها تکیه می‌کنند. در اینکه تاریخ را انسان‌ها می‌سازند، تردید نیست، ولی آنها می‌توانند تاریخ را کورکورانه بنا کنند یا قوانین تکامل جامعه را بشناسند و آگاهانه و متشکل به ساختن تاریخ بپردازند. شناخت قوانین تکامل جامعه به انسان امکان می‌دهد که خود را از قید ضرورت تاریخی برهاند زیرا آزادی در اینست که انسان بتواند با معرفت هر چه کامل‌تر در مسئله‌ای تصمیم بگیرد. هر اندازه معرفت انسان به قوانین طبیعت و جامعه عمیق‌تر و همه جانبه‌تر باشد، آزادی وی از سلطه قوای طبیعت و جامعه بیش‌تر است. با معرفت به قوانین، انسان نیروهای طبیعت و جامعه را زیر سلطه خود درمی‌آورد و خود را از دنیای ضرورت بیرون می‌کشد و به دنیای آزادی می‌رساند. همانطور که انگلس بیان می‌دارد:

«آزادی در عدم تابعیت خیالی از قوانین طبیعت نیست، بلکه در شناخت این قوانین است و بر اساس این شناخت امکان و داشتن طبیعت به اینکه بر طبق نقشه و برای نیل به هدف‌های معینی عمل کنند».

«نیروهای اجتماعی تا زمانی که آنها را شناخته‌ایم و به حساب نمی‌گذاریم، مانند نیروهای طبیعت کورکورانه، از روی قهر و به وجه مخرب عمل می‌کنند. اما همین که آنها را شناختیم، عمل آنها جهت و تاثیر آنها را دانستیم، آنگاه دیگر مربوط به خود ماست که آنها را هر چه بیش‌تر تحت اراده خود درآوریم و به کمک آنها به هدف‌های خود دست یابیم. این موضوع بویژه به نیروهای مولده عظیم معاصر مربوط می‌شود. همین که سرشت آنها شناخته شد، آنها می‌توانند در دست تولیدکنندگان

شیوه تولید سرمایه‌داری بروز می‌کند، هر چه باشد خصوصیات تاریخی، ملی و فرهنگی مردم آن کشور، این طبقات ناگزیر پدید می‌آیند و میان آنها مبارزه طبقاتی درمی‌گیرد. قانون مبارزه طبقه کارگر و کارفرما از درون جامعه سرمایه‌داری بیرون می‌آید و از ماهیت آن سرچشمه می‌گیرد. بدین ترتیب مبارزه طبقاتی رابطه ضروری، عام و تکرار شونده میان پدیده طبقاتی در جامعه سرمایه‌داری است.

به همین قسم شیوه تولید سرمایه‌داری، نه بر سبیل اتفاق، بلکه بنا بر ضرورت و قانونمندی جای فئودالیسم را می‌گیرد، سوسیالیسم نیز بر طبق قوانین اجتماعی حاکم بر جامعه سرمایه‌داری، ناگزیر به جای این جامعه می‌نشیند.

ضرورت قوانین اجتماعی و خصلت عینی آنها به این معنی است که انسان نمی‌تواند آنها را لغو کند، از میان ببرد یا دگرگون سازد. انسان می‌تواند آنها را کشف کند، بشناسد، در اعمال خود به حساب بگذارد و به سود جامعه مورد استفاده قرار دهد. ماتریالیسم تاریخی بر آنست که قوانین تکامل اجتماعی جنبه تاریخی دارند، یعنی آنها را آغاز و انجامی است. بعضی از آنها با پیدایش جامعه انسانی پیدا می‌شوند و ارزش و عمل خود را در سراسر جامعه انسانی حفظ می‌کنند. این‌ها قوانینی هستند عام که شرایط زندگی جامعه را مستقل از دوران‌های مشخص آن، مستقل از ساخت‌های اقتصادی - اجتماعی در برمی‌گیرند. چنین است مثلاً این قانون که هستی اجتماعی تعیین‌کننده شعور اجتماعی است یا عبارت دیگر «طرز زندگی انسان‌ها هر طور که باشد، طرز تفکر آنها نیز همانطور است» (استالین).

برخی متعلق به آن دوران‌هایی از تکامل جامعه‌اند که در آنها طبقات آنتاگونیستی (آشتی‌ناپذیر) با یکدیگر در مبارزه‌اند. مانند قانون مبارزه طبقاتی بمتابۀ نیروی محرکه تکامل تاریخی در جوامعی که طبقات آنتاگونیستی در برابر هم قرار می‌گیرند. عمل این قانون با پیدایش طبقات در جامعه آغاز می‌گردد و تا زمانی که در جامعه طبقات آنتاگونیستی وجود دارند، این قانون به قوت خود باقی می‌ماند. بالاخره قوانینی یافت می‌شوند که اختصاص به یک ساخت اقتصادی - اجتماعی معین دارند و در ساخت‌های دیگر مشاهده نمی‌شوند مانند قوانین خاص جامعه سرمایه‌داری.

قوانین عام از این جهت که دامنه عمل آنها وسیع و زمان عمل آنها کم و بیش طولانی است، از قوانین خاص متمایز می‌گردند: مثلاً اگر قوانین خاص سرمایه‌داری فقط در دوران

# باتوفان همراه شوید

@TOTOUFAN

## پاسخ به یک پرسش در شبکه

### تلگرام

**پرسش:** ضمن سلام به دست‌اندرکاران تلگرام توفان، بنده مطالب و اعتقادات شما را از طریق کانال دنبال می‌کنم. بسیاری از سازمان‌ها و احزاب سیاسی و رسانه‌های خارجی اعتراضات چند هفته اخیر ایران را انقلاب تعریف می‌کنند. سؤال این است آیا حزب شما تشابهی بین این جنبش اعتراضی با انقلاب بهمن می‌بیند، آیا رژیم جمهوری اسلامی در سرانجام همان مسیری نیست که رژیم شاه طی کرده است. تعریف شما از انقلاب اساساً چیست؟ خیلی ممنون میشم حتی بطور مختصر به سؤال جواب دهید. با تشکر. امضا محفوظ. تهران

**پاسخ:** با درود به شما که با این همه علاقه مسائل مهم سیاسی را دنبال می‌کنید و یکی از همراهان کانال تلگرام توفان هستید. «انقلاب» یعنی برآمد اکثریت اهالی جامعه در یک وضعیت انقلابی که بالائی‌ها دیگر مثل گذشته نمی‌توانند حکومت کنند و پائینی‌ها هم حکومت را نمی‌خواهند و جامعه در یک بحران عمومی فرو رفته است. در یک کلام انقلاب برآمد مردم برای تغییر و دگرگونی در ساختارهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی یک نظام اجتماعی است.

البته مفهوم «انقلاب» با انقلاب‌های رنگی که توسط امپریالیست‌ها و بیگانگان هر کشوری هدایت می‌شود و معمولاً نماد رنگی دارد یا کودتا فرق دارد. انقلاب در یک جامعه معمولاً توسط آحاد یک جامعه اعم مردم و زن و اقشار مختلف به پیروزی می‌رسد. انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب کبیر سوسیالیستی شوروی، انقلاب کبیر چین، انقلاب ویتنام، کوبا، نیکاراگوئه و انقلاب ایران بهمن ۵۷ انقلاباتی هستند که در اثر رشد تضادهای سیاسی و اقتصادی رخ داده و وجه مشترک‌هایی دارند که به اعم آنها به صورت مختصر اشاره می‌کنیم:

مجتمع، از فرمانروایانی اهریمنی به خدمت‌گذارانی رام و سربزیر تبدیل گردند. در اینجا همان تفاوتی هست که میان نیروی مخرب الکتریسته در صاعقه توفان و الکتریسته رام شده در چراغ برق است، همان تفاوتی که میان حریق و آتشی که در خدمت انسان است وجود دارد».

چنین است دیالکتیک ضرورت و آزادی و تاثیر متقابل آنها بر یکدیگر. آنجا که ضرورت مطلق است از آزادی اثری نیست، هرچه ضرورت بیش‌تر شناخته شود، به همان اندازه آزادی بیش‌تری بدست می‌آید. آزادی شناخت ضرورت است، امکان استیلا بر آن است.

شناخت قوانین عینی تکامل جامعه امکان می‌دهد که توده‌ها آن راهی را در پیش گیرند که قوانین نشان می‌دهند. فعالیت توده‌ها در این حال جامعه را به پیش خواهد برد و هیچ نیروئی قادر به جلوگیری از آن نیست. برعکس، طبقات کهنه، که تکامل جامعه آنها را به زوال و نیستی میراند، پیوسته می‌کوشند راه را بر تکامل اجتماع ببندند، با عمل قوانین اجتماعی به مقابله برخیزند، مانع عمل و تاثیر آنها گردند. این مقاومت طبقات کهنه خود یکی از تظاهرات قوانین زندگی اجتماعی است. این طبقات در واقع برخلاف جریان تکامل حرکت می‌کنند و بهمین جهت مساعی آنها در حفظ خویش و متوقف ساختن حرکت جامعه به جایی نخواهد رسید. چنین بود در گذشته سرنوشت فئودال‌ها و اشراف که از نظام فئودالی دفاع می‌کردند، چنین است سرنوشت بورژوازی که اکنون از نظام سرمایه‌داری دفاع می‌کند و در تلاش آن است که از استقرار نظام سوسیالیستی، که ضرورت تاریخی آنرا ناگزیر ساخته، جلوگیری کند.

ضرورت تاریخی البته از طریق فعالیت توده‌ها و در پیشاپیش آنها، طبقه کارگر تحقق می‌پذیرد، مبارزه طبقاتی خود جزئی از آن ضرورت تاریخی است که به استقرار سوسیالیسم می‌انجامد. کسانی که میان ضرورت تاریخی سوسیالیسم و لزوم مبارزه بخاطر سوسیالیسم تضاد می‌بینند در واقع فعالیت انسانها و از آن جمله مبارزه طبقاتی را از ضرورت تاریخی تفکیک می‌کنند. توده‌های کارگر هر چه بیش‌تر به ناگزیری سوسیالیسم پی‌برند، بهتر متشکل می‌شوند و با شور و شوق بیش‌تری به مبارزه می‌پردازند در نتیجه پیروزی آنها نزدیک‌تر می‌شود. برعکس، هر گاه آنها به این ناگزیری واقف نباشند، فعالیت آنها خود رو و ضعیف است، دستخوش انواع افکار و اندیشه‌های بورژوائی می‌گردند و به ناچار فرار سیدن سوسیالیسم به تعویق می‌افتد.\*

## یکم- ایدئولوژی

هر انقلابی دارای جهان‌بینی یا ایدئولوژی است و بدون چنین چشم‌انداز و جهان‌بینی امکان ندارد انقلابی شکل بگیرد؛ باید مشخص شود که چه حکومتی می‌خواهد تشکیل شود، حکومت سلطنتی، جمهوری دموکراتیک سرمایه‌داری و لائیک و مستقل، جمهوری سکولار وابسته و یا جمهوری سوسیالیستی که معمولاً در شعارهای آنها مطرح می‌شود.

شعار «زن، زندگی، آزادی» یا «مرد، میهن، آبادی» شعارهای احساساتی و بی‌محتوا و پوپولیستی هستند که حتا راست‌ترین نیروهای سرمایه‌داری از آن دفاع می‌کنند. چنین شعارهایی بیش‌تر به انقلابات رنگی در برخی ممالک اروپای شرق نزدیک‌اند تا انقلابات واقعی با شناسنامه مستقل و سیمای طبقاتی و ملی مشخص. شعارها باید بر اساس مبانی ایدئولوژی یا جهان‌بینی طرح گردند و بدون چنین جهان‌بینی اصولاً انقلابی شکل نمی‌گیرد.

وقتی مواضع گردانندگان اعتراضات اخیر را بررسی می‌کنیم، فرقه رجوی مجاهدین، اپوزیسیون طرفدار رضا پهلوی و سلطنت را قبول ندارد و بر عکس حواریون پهلوی اپوزیسیون فرقه رجوی را قبول ندارند، بطوری که در فضای رسانه‌ای با همدیگر به جنگ و جدل می‌پردازند. این جریان‌ها هنوز پیروز نشده خط و نشان برای همدیگر می‌کشند و «مریم رجوی» گفته است حکومت آینده پادشاهی نیست و «رضا پهلوی» نیز گفته است «قصد حکومت کردن ندارد، فقط می‌خواهد هماهنگ‌کننده باشد»!!

ایدئولوژی و طرح و برنامه و بدیل سیاسی از اصلی‌ترین شرایط انقلاب است و یکی از دلایلی که اکثریت عظیم مردم همراهی با معترضان اخیر نکرده‌اند، فقدان مبانی ایدئولوژی و برنامه و آلت‌ناتیو سیاسی برای سرنگونی رژیم است. چرا که انقلاب باید وضعیت را بهتر کند، به توده مردم امید به تحول مثبت سیاسی دهد و نه اینکه ترس و بدتر کردن اوضاع را نوید دهد. انقلاب باید دارای چشم‌انداز روشن برای آینده باشد و بر این اساس مردم را دعوت به مداخله در سرنوشت جامعه نماید.

## دوم- رهبری انقلاب.

کسب قدرت سیاسی مسئله اصلی هر انقلاب است. هر انقلابی باید رهبری داشته باشد که اکثریت اهالی جامعه تحت پرچم او گرد آید و متشکل شود تا کشور به هرج و مرج گرفتار نگردد. فرقه رجوی یا «رضا پهلوی»، که وابسته به بیگانگان هستند و سال‌ها با دشمنان ایران نشست و برخاست داشته‌اند یا رهبران گروه‌های ناسیونال‌شونیست و تجزیه‌طلب مانند «کومله» و «دمکرات» رهبران صالح و شایسته‌ای نیستند. مردم رهبرانی می‌خواهند در میان خودشان و از

جنس خودشان باشند، نه وابسته به بیگانه. مردم رهبری می‌خواهند که دارای سابقه مبارزه سیاسی و مردمی و ملی باشد، ساده زیست و با صداقت و آگاه به مسائل روز و ... باشد، تا بتواند مورد مقبولیت آحاد جامعه قرار گیرد .

## سوم- از نظر اجتماعی .

وقتی انقلابی پیروز می‌شود که تمام اقشار آن جامعه اعم از مرد، زن، پیر و جوان، کسبه، کارگر، کارمند و ... حضور فعال داشته باشند با تعدادی دهه هشتادی یا نودی نمی‌شود انقلاب کرد. باید همه اقشار جامعه با انسجام اجتماعی و یکپارچگی اجتماعی به میدان بیایند تا انقلاب شکل بگیرد .

## چهارم- از نظر سیاسی .

یکی از شرایط انقلاب وضعیت سیاسی یک کشور در زمان انقلاب است؛ تغییر دولت‌ها به صورت گسترده به صورتی که معمولاً عمر دولت‌ها به چند ماه طول نمی‌کشد، به صورت مثال در زمان شاه دولت‌های «ازهار»، «آموزگار» یا «بختیار» با هر ترفندی نتوانستند رژیم شاهنشاهی را نجات بدهند و معمولاً در زمان وقوع انقلاب سرداران از کشور متواری می‌شوند و کشور از کنترل آنها خارج می‌شود در حالیکه ایران در چنین وضعیتی قرار ندارد. شاه یک گماشته غرب بود و فاقد هرگونه اراده و استقلال سیاسی بود. وی تا آخرین لحظات انقلاب مردم در انتظار ارباب‌اش بود تا وی را از این بحران نجات دهد. در نتیجه یکی دانستن رژیم کنونی با رژیم شاه و تشابه‌سازی شرایط ۵۷ با شورش بدون چشم‌انداز کنونی و از «انقلاب نوین فمینیستی» سخن گفتن، یک طنز سیاسی است، عدم درک درست از وضعیت موجود و بدفهمی از مقوله انقلاب است. در انقلاب بهمن که جمعیت کشور در آن زمان ۳۴ میلیون نفر بود، نزدیک به ۱۳ میلیون نفر در طول یکسال به خیابان‌ها آمدند، که عظیم‌ترین انقلاب قرن به لحاظ وسعت و کثرت توده‌ای نام گرفت. در اعتراضات اخیر، که دوازده هفته ادامه داشته است، حداکثر ۴۰ هزار نفر روزانه در سراسر ایران شرکت داشتند و این رقم به نسبت یک جمعیت ۸۵ میلیون نفری که در آن هیچ اعتصاب عمومی و سراسری جدی که رژیم را فلج کند، روی نداده، بسیار ناچیز است. متأسفانه این اعتراضات، که در آغاز خوب شروع شده بود، ولی در اثر نفوذ نیروهای مرموز و ناصالح در بین مردم و رسانه‌های ارتجاعی برون مرزی، به انحراف رفت و به بن بست رسید. هر اعتراض و جنبشی که فاقد برنامه و هدف و سازمان و تشکیلات مترقی باشد، شکست‌اش اجتناب‌ناپذیر است؛ همانطور که در سال



## گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به

### یک پرسش

**پرسش:** با دروهای بسیار، پرسشی دارم در مورد اینکه چرا شما در نشریات خود به وفور از کلمه «میهن» استفاده می کنید در حالی که کمونیست‌ها و کارگران تعریف کارل مارکس اساسا میهن ندارند! برای اینکه میهن سرمایه‌داری میهن کارگران نمی‌باشد و دفاع از میهن تحت سیطره بورژوازی دفاع از سرمایه‌داری خودی است. آیا بهتر نیست به جای میهن از سرزمین سرمایه‌داری یا سوسیالیستی نام ببرید؟ خیلی ممنون از پاسخی که به من ارسال می کنید. امضا محفوظ - بلژیک

**پاسخ:** دوست گرامی، ما بارها در این مورد و مقوله «میهن» یا «وطن» سخن گفته ایم و متأسفانه شما گفته کارل مارکس در مورد «کارگران میهن ندارند را اشتباه برداشت کرده اید. برداشت شما از این شعار یک برداشت نادرست و جهان‌وطنی است و این یک انحراف به راست و در هر شرایطی توجیه امپریالیست‌ها برای تجاوز به کشورهاست. این یعنی خلع سلاح روحی طبقه کارگر در مقابل تجاوزات امپریالیستی! «وطن» یا «میهن» یعنی یک محیط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی معین که نیرومندترین عامل در مبارزه طبقاتی کارگران است و کارگران نمی‌توانند نسبت به آن و سرنوشت‌اش بی تفاوت باشند. کسی که عشق به میهن‌اش دارد، نه عشق به گاو صندوق پول و غارت ثروت میهن و خیانت به منافع زحمتکش‌ان، میهن دوست است. چنین میهن دوستی انترناسیونالیست نیز می‌باشد. کسی که ادعا کند میهن خود را دوست ندارد، نمی‌تواند دوست کارگران سایر کشورها را که میهن‌شان را دوست دارد، دوست داشته باشد و در نتیجه نمی‌تواند انترناسیونالیست باشد. متأسفانه در این مورد انحرافات بسیاری در بین سازمان‌های سیاسی و یا مدعی چپ وجود دارد. پیروان «منصور حکمت» (پوبین رازانی) به جای «میهن دوستی» و «انترناسیونالیسم پرولتاری» به «جهان

۸۸ دی ۹۶ و آبان ۹۸ رخ داده است.

امید کاذب به مردم دادن و با هیاهو و هوچی‌گری و کسب اطلاعات نادرست از شبکه‌های تلویزیونی بودار برون‌مرزی، نظیر «ایران اینترناشنال»، «منوتو»، «بی بی سی» و «صدای آمریکا»... نمی‌توان انقلاب کرد یا به نتیجه مثبتی رسید. متأسفانه بسیاری از این جوانان فاقد مطالعه و شناخت صحیح از شرایط کنونی‌اند و در توهّمات خود غرق‌اند. رژیم با چنین اعتراضاتی سرنگون نمی‌شود، حتا اگر به زعم عده‌ای چنین چیزی رخ دهد، از آنجا که این اعتراضات فاقد یک رهبری دانا و کارگشته و مدبر است، جامعه دچار هرج و مرج و جنگ داخلی و تجزیه می‌شود. در یک کلام وضعیت ما بهتر از لیبی و عراق و سوریه نخواهد شد.

قیاس رژیم کنونی با رژیم شاه و انقلاب بهمین بسیاری را دچار اشتباه کرده است. در حال حاضر رژیم جمهوری اسلامی از نظر نظامی در سطح بالایی قرار دارد، بطوری که قدرت‌های بزرگ جهان به اقرار خودشان به فکر جنگ با ایران نیافتاده و به پیشرفت‌های نظامی ایران از جمله موشکی و پهبادی و دیگر سلاح‌های نظامی اقرار نموده و ضربه‌های متعددی چه به صورت رسمی و غیررسمی توسط ارتش و سپاه و گروه‌های مشابه خوردند که از پاسخ دادن عاجز مانده‌اند. یک نیروی سیاسی، که مدعی رهبری جنبش است، نمی‌تواند با ذهنی‌گری و ندیدن توان و ظرفیت رژیم چه در رابطه با پایگاه اجتماعی، نیروی نظامی، قدرت بسیج و... از سرنگونی نظام توسط تظاهرات اعتراضی و پراکنده و بدون دورنما و تشکل و بدون به میدان آوردن نود درصد خاموش جامعه سخن گوید. رژیم اگر حتی بیست درصد جامعه را با خود داشته باشد، از پس سه درصد ناراضیان جامعه در خیابان‌ها، که فاقد تشکل و آگاهی و چشم‌انداز روشن هستند، برمی‌آید و سرنگون نخواهد شد. برای سرنگونی رژیم باید تشکیلات داشت، مردم را متشکل کرد و سرانجام برای استقرار یک حکومت نوین و مردمی، که در عالی‌ترین شکل آن یک جمهوری سوسیالیستی است، خود را آماده نبرد نهایی با نظام سرمایه‌داری حاکم کرد و نه فقط با رژیم آخوندی. باید از درگیری‌های زودرس، شعارهای هیجانی و ذهنی، که دلخوش‌کننده نیروهای خورده بورژا و آنارشیزست است، پرهیز نمود و با طرح مطالبات سیاسی و اقتصادی صحیح منطبق با شرایط اجتماعی کنونی گام به گام توده میلیونی مردم را به میدان کشاند و سازمان داد. این راهی است طولانی، اما جز این راهی برای کسب قدرت سیاسی و پیروزی متصور نیست.

برایتان پیروزی آرزومی کنیم. به مکاتبه خود با ما ادامه دهید. پیروز باشید \*

علیه رهبران اپورتونیست دوم را برعهده داشت جزوه فوق را با تیزی خاصی که منحصر به اوست، بررسی کرده و در عین تایید آن به مثابه یک اثر برجسته مارکسیستی، انتقادات سازنده‌ای را در جزوه‌ای به نام «درباره جزوه یونیوس» به رشته تحریر درآورد و انحرافات روزا را در مورد جنگ‌های ملی و میهنی برشمرد.

لنین در این اثر خود در ضمن تایید و تاکید این مسئله که در یک جنگ امپریالیستی امکان بروز و وقوع جنگ‌های ملی (یعنی جنگ‌های تحت ستم و یا تحت اشغال علیه امپریالیسم) کاملاً موجود است، آموزش‌های گران‌بهای پیرامون جنگ امپریالیستی و اینکه نیروهای انقلابی و بخصوص پرولتاریا چه برخوردی به آن خواهد داشت، به جای گذارده است.

لنین در این جزوه با صراحت مسئله مرکزی سیاسی پرولتاریا را در زمان جنگ امپریالیستی چنین بیان می‌دارد: «پرولتاریا مخالف دفاع از میهن در این جنگ امپریالیستی است و این مخالفت با توجه به خصلت غارتگرانه، اسارت‌آور و ارتجاعی این جنگ با توجه به امکان و ضرورت قرار دادن جنگ داخلی به خاطر سوسیالیسم در مقابل آن (تبدیل آن به چنین جنگ داخلی) صورت می‌گیرد». لنین تاکید می‌کند که جنگ‌های ملی کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره در دوران امپریالیسم نه تنها محتمل بلکه اجتناب‌ناپذیراند. در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره (چین-ترکیه-ایران) تقریباً ۱۰۰۰ میلیون انسان، یعنی بیش از نصف جمعیت کل روی زمین زندگی می‌کنند، جنبش‌های آزادی‌بخش ملی در این کشورها یا بسیار پر قدرت و یا در حال رشد بوده و به حد بلوغ نزدیک می‌شوند. هر جنگی ادامه سیاست است با وسائل دیگر، ادامه سیاست رهایی‌بخش ملی در مستعمرات بالاجبار جنگ‌های ملی مستعمرات علیه امپریالیسم خواهد بود.

چنین جنگ‌هایی می‌توانند به یک جنگ امپریالیستی قدرت‌های «معظم» امپریالیستی کنونی بیانجامند، اما می‌توانند نیز به آن بیانجامند - این امر به بسیاری از شرایط بستگی دارد». دفاع از میهن در یک جنگ ملی و تدافعی به معنی میهن‌دوستی و دفاع از منافع ستم‌دیدگان در مقابل ستمگران است. در اینجا طرح شعار «کارگران میهن ندارند» خیانت به پرولتاریا و زحمتکشان و به آلت دست امپریالیست‌ها تبدیل شدن است. این نظریات جهان‌وطنی هستند و آلوده به نظریات ترسکیستی و شبه ترسکیستی هستند. متأسفانه بسیاری از این قبیل احزاب از مطالعات کلاسیک و تئوریک بی‌بهره‌اند و عده‌ای هم آگاهانه بدان دامن می‌زنند تا راه نفوذ صهیونیست‌های اسرائیلی را در ایران برای تجزیه میهنمان هموار سازند.

به مکاتبه خود با ما ادامه دهید!  
رایتان موفقیت آرزو می‌کنیم \*

وطنیسم» در غلبه‌اند و از آنجا که موضوع میهن و میهن‌دوستی برایشان محلی از اعراب ندارد، مشوق حمله امپریالیست‌ها به ایران هستند. این محافل چپ‌نما و نوکر بیگانه در کنار فرقه رجوی مجاهدین به عنوان عوامل امپریالیسم در ایران و منطقه عمل می‌کنند و نمی‌خواهند سر در بدن میهن ما ایران باشد. و از همین رو موافق تحریم و تجاوز به ایران و ویرانی میهن ما ایران هستند. تبلیغ بی‌وطنی به درجه‌ای از ابتدال و خیانت منجر شده است که این محافل حتا از کلمه «ملی» یا «تیم ملی» در هر عرصه از مبارزه ورزشی و واکنش منفی نشان می‌دهند.

مارکس و انگلس در «مانیفست» به درستی اشاره کرده‌اند که: «مبارزه پرولتاریا بر ضد بورژوازی در آغاز، اگر از لحاظ معنی و مضمون ملی نباشد، از لحاظ شکل و صورت ملی است. پرولتاریای هر کشوری طبیعتاً در ابتدا امر باید کار را با بورژوازی کشور خود یکسره نماید». به این اعتبار مبارزه پرولتاریا اگرچه در مضمون انترناسیونالیستی است، اما در شکل ملی و کنکرت است و باید ابتدا تکلیف‌اش را با بورژوازی خودی یک سره کند. مارکس و انگلس در سال‌های بعد از انتشار مانیفست بارها از مبارزه میهن‌دوستان ایرلندی در دفاع از وطن‌شان در مقابل انگلیس دفاع کردند، همینطور از میهن‌دوستی مبارزان لهستانی‌ها. همه اینها خط بطلانی بر نظریه انحرافی «کارگران میهن ندارند»، می‌باشد لطفاً آثار مارکس را با دقت بخوانید جز این نتیجه‌ای نخواهید گرفت.

اثر تئوریک و ارزشمند لنین جزوه «یونیوس» در مورد جنگ‌های عادلانه و میهنی و جنگ‌های غیرعادلانه نیز خط بطلانی بر نظرات ضد کمونیستی و پروامپریالیستی احزاب پیروان «منصور حکمت» و دارودسته‌های شبه ترسکیستی است که دفاع از میهن را به ریشخند می‌گیرند. اشاره به جزوه «یونیوس» در اثبات طرح دفاع از میهن در یک جنگ تدافعی و عادلانه است. زمانی که رهبران انترناسیونال دوم نظیر «کائوتسکی»، «پلخانوف» و... به مارکسیسم و انترناسیونال پرولتری خیانت ورزیده و راه سازش با ارتجاع را پیش گرفتند؛ وظیفه دفاع از مارکسیسم و انترناسیونالیسم پرولتری را در کنار لنین شخصیت‌های برجسته سوسیال دمکراسی نظیر «روزا لوکزمبورگ» بر عهده گرفته و سازشکاران را به زیر آتش حمله خود گرفتند. عمده‌ترین مسئله مورد مشاجره میان خائنین به مارکسیسم و وفاداران به مشی پرولتری مسئله برخورد به جنگ در آن دوران بود. «روزا لوکزمبورگ» در مبارزه خود با اپورتونیست‌ها از جمله جزوه‌ای تحت عنوان «بحران سوسیال دمکراسی» انتشار داد. این جزوه عمدتاً درباره تحلیل جنگ، رد نظریه خائنانه خصلت آزادی‌خواهانه ملی جنگ‌های امپریالیستی موجود و اثبات این مسئله که جنگ جهانی اول چه از طرف آلمان و چه از طرف سایر نیروهای بزرگ امپریالیستی دامن زده شود، جنگی است امپریالیستی، نگاشته شده است. لنین کبیر، که رهبری مبارزه





www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کلایران (توفان)
facebook.com/hezbekar.toufan					*	فیسبوک حزب کلایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کلایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کلایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب

POSTBANK

bank code 20110022

bank account No.: 2573 3026 00

IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

P.O. BOX\_1138

D64526 Mörfelden-Walldorf

E-Mail: toufan@toufan.org

Fax: 00496996580346